



Re-examining the Aesthetic and Artistic Dimensions to Enhance the Quality of Cultural and Artistic Competitions among Students in Isfahan, Based on Kline’s Curriculum Model

Seyyed Mahmoud Hosseini Deh Miri¹, Akbar Panahi Dorcheh², Seyedeh Maryam Fatemi³, Amin Rezvani⁴

1- PhD in Art Research, Department of Educational Sciences, Farhangian University. P.O. Box 14665-889, Tehran, Iran.

2- Assistant Professor, Farhangian University, Department of Educational Sciences, Farhangian University. P.O. Box 14665-889, Tehran, Iran (corresponding author).

3- PhD in Counseling, Department of Educational Sciences, Farhangian University. P.O. Box 14665-889, Tehran, Iran.

4- PhD Student in Curriculum Planning, Department of Educational Sciences, Faculty of Humanities, Meymeh Branch, Islamic Azad University, Meymeh, Iran.

Abstract

Introduction: The domain of aesthetics and art is recognized as one of the six fundamental domains in Iran’s Fundamental Transformation Document of Education (FTDE), which emphasizes the pivotal role of art education in students’ holistic development. Although the FTDE highlights the significance of art in the spiritual, emotional, and intellectual growth of students within the aesthetic and artistic domain, it fails to propose a clear and structured model for organizing students’ leisure time. Consequently, the essential role of cultural and artistic activities as extracurricular programs has been largely overlooked by educational planners. This neglect has created a gap between formal educational objectives and the practical implementation of extracurricular programs that nurture creativity, aesthetic sensibility, and cultural identity among students. In this context, reinterpreting the aesthetic and artistic dimensions within the framework of Klein’s curriculum model can help bridge this gap and provide a more coherent foundation for promoting art-based learning experiences.

Methodology: This study adopted an integrated qualitative–quantitative approach, specifically employing grounded theory, to explore artistic and aesthetic experiences among students. The research focused on two age groups: children (elementary school) and adolescents/young adults (high school). Through theoretical saturation sampling, twenty-eight participants—including teachers, art educators, curriculum planners, and students—were interviewed. Their responses were analyzed to extract initial semantic units. These units were systematically coded using MAXQDA software, resulting in 925 open codes, 62 axial codes, and 21 selective codes derived from thematic similarities and differences. The analysis was organized around causal, contextual, and interventional conditions, following Klein’s nine core curriculum elements. The validity and reliability of the findings were confirmed through expert review and quantitative verification using a researcher-developed questionnaire, which was statistically analyzed with SPSS software.

Results: Findings revealed that the aesthetic and artistic dimensions have been largely marginalized within Iran’s formal education system, despite the global recognition of art as a key component of human and social development. The absence of a structured model for extracurricular activities demonstrates a significant gap between educational ideals and real-world practice. This study therefore proposes a practical and context-sensitive framework for designing and implementing cultural and artistic extracurricular programs for students in Isfahan, aligning them more closely with the objectives of the FTDE and enhancing the aesthetic and artistic domain.

Conclusion: The results indicate that the active support of school principals and parents, the effective utilization of local and provincial capacities, the participation of skilled and committed instructors, and the establishment of national competition secretariats across provinces can collectively create a sustainable and valuable opportunity for cultural and artistic authorities to enhance both the quality, creativity, and long-term educational impact of these competitions.

Key words: Aesthetic and Artistic Domain; Cultural and Artistic Competitions; Extracurricular Programs; Kline’s Curriculum Model



بازخوانی ساحت زیباشناختی و هنری به‌منظور کیفیت‌بخشی مسابقات فرهنگی و هنری دانش‌آموزان اصفهان با تأثیرپذیری از الگوی برنامه درسی کلاین

سید محمود حسینی ده میری^۱، اکبر پناهی درجه^۲، سیده مریم فاطمی^۳، امین رضوانی^۴

۱- دکتری پژوهش هنر، گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان. صندوق پستی ۸۸۹-۱۴۶۶۵ تهران. ایران

۲- استادیار دانشگاه فرهنگیان، گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان. صندوق پستی ۸۸۹-۱۴۶۶۵ تهران. ایران (نویسنده مسئول)

۳- دکتری مشاوره، گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان. صندوق پستی ۸۸۹-۱۴۶۶۵ تهران. ایران

۴- دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی. گروه علوم تربیتی دانشگاه علوم انسانی واحد میمه. دانشگاه آزاد اسلامی. میمه. ایران

چکیده

ساحت زیبایی‌شناسی و هنری، یکی از ساحت‌های شش‌گانه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش محسوب می‌شود که در آن به‌طور خاص، بر نقش آموزش هنر در تربیت دانش‌آموزان تأکید شده است؛ اگرچه در این سند، در بخش ساحت زیبایی‌شناسی و هنری، به مسئله هنر به‌عنوان یکی از مباحث مهم در پرورش روحی، ابعاد خلاقانه و روحی دانش‌آموزان اشاره شده است؛ اما الگویی مشخص برای اوقات فراغت دانش‌آموزان ترسیم نشده و اهمیت نقش فعالیت فرهنگی و هنری به‌عنوان فعالیتی فوق‌برنامه، مورد غفلت برنامه‌ریزان قرار گرفته است. هدف این مقاله، بررسی نحوه ارتقاءبخشی و توجه بیشتر به ساحت زیباشناختی و هنری، به‌منظور کیفیت‌بخشی فعالیت‌های فوق‌برنامه فرهنگی هنری دانش‌آموزان است. روش پژوهش از نوع تلفیقی (کیفی-کمی) است. ابتدا پس از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با صاحب‌نظران، فعالان فرهنگی، اعضای هیات علمی دانشگاه، معلمان، دانشجویان و برگزارندگان مسابقات فرهنگی و هنری، متن مصاحبه‌ها از طریق سامانه مکس. کیو. دا، کدگذاری شد و سپس با توجه به محتوای مفاهیم مشترک، مقولات، وکدهای محوری آن و با توجه به شریط علی، زمینه‌ای و مداخله‌ای، نتایج با الگوگیری از عناصر برنامه درسی کلاین مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. اعتبارسنجی نتایج هم از طریق جمعی از نخبگان و هم در قالب انجام یک پژوهش کمی از طریق پرسش‌نامه محقق‌ساخته با بهره‌گیری از نرم‌افزار اسپاس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج این پژوهش نشان داد که: اهمیت بخشی به اهداف و رویکردهای ساحت زیبایی‌شناسی و هنری، بر کیفیت این مسابقات می‌افزاید و تأثیر عمیق‌تری بر وضعیت دانش‌آموزان دارد. کلمات کلیدی: الگوی کلاین، ساحت زیبایی‌شناختی و هنری، فوق‌برنامه، مسابقات فرهنگی و هنری

۱- مقدمه و بیان مسأله

در عرصه تعلیم و تربیت، مفهوم "فوق‌برنامه" با مفاهیم دیگری همچون، فعالیت‌های خارج از مدرسه^۱، آموزش در فضای باز^۲، آموزش برای گذراندن اوقات فراغت^۳، برنامه مکمل درسی^۴، فعالیت‌های فراتر از کلاس درس^۵ و مفهوم اجتماعی کردن و یکپارچه‌سازی^۶ مرتبط بوده و در برخی از موارد با آنها هم‌سویی دارد؛ در واقع فعالیت فوق‌برنامه آن دسته از تجارب آموزشی هستند که جزء برنامه‌های رسمی مدرسه نبوده و با آن، ماهیت رقابتی دارد. این نوع آموزش و پرورش به منزله فراگیری غیررسمی به‌منظور تقویت فرصت‌های یادگیری دانش‌آموزان در خارج یا در داخل مدرسه و فراسوی فعالیت‌های رسمی محیط آموزشی است. در مدرسه همانند هر محیط دیگری، فرایندهای روانشناسی در حوزه فعالیت‌های رسمی می‌تواند بر یادگیری، آموزش و رفاه فراگیران تاثیرگذار باشند؛ اما امکان دارد، چنین فرایندهایی به‌عنوان یک محرک بیرونی موجب فشار روانی و برهم‌زننده‌ی تمرکز دانش‌آموزان شود؛ لذا چنین واکنشی ضرورت پرداختن به فعالیت‌های فوق‌برنامه را در کنار فعالیت‌های رسمی افزایش می‌دهد.

فعالیت‌های فوق‌برنامه، بر ابعاد فرهنگی، اجتماعی و عاطفی دانش‌آموزان تاثیرگذار است؛ به طوری که مشارکت در فعالیت‌های فوق‌برنامه با زمینه‌هایی چون کاهش احتمال ترک تحصیل در مدرسه به‌خصوص در سالهای دبیرستان، کاهش جرائم، افزایش رقابت‌های بین فردی و خودانگاره مثبت و تعامل با مدرسه، مشارکت فعال در روند سیاسی و اجتماعی داوطلبانه، سلامت و بهداشت روانی در بزرگسالی مرتبط است؛ علاوه بر آن، از اثرات مثبت فعالیت‌های فوق‌برنامه بر روی دانش‌آموزان آن است که مفاهیم اجتماعی شدن و سازگاری را در فرد افزایش می‌دهد؛ حتی بین عملکرد تحصیلی دانش‌آموزانی که در این فعالیت‌ها شرکت کرده‌اند، نسبت به دانش‌آموزانی که در این نوع آموزش‌ها شرکت نکرده‌اند، از نظر میزان بازدهی نمرات آنان تفاوت معناداری وجود دارد (زارع‌بدیعی، ۱۳۹۸)؛ بر این مبنای باید به بررسی کلی این موضوع پرداخت که اساساً فعالیت‌های فوق‌برنامه چه تأثیری بر برنامه‌های رسمی آموزش و پرورش دارند و این‌گونه فعالیت‌ها چگونه می‌توانند در تحقق اهداف سند به‌ویژه ساحت زیبایی‌شناختی و هنری موثر باشند؟ ارزیابی‌ها و مطالعات نشان می‌دهد، پس از گذشت یک دهه از تدوین و ابلاغ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی، هنوز بسیاری از اهداف ساحت‌های این سند محقق نشده است. ساحت تربیتی زیبایی‌شناختی و هنری از جمله مقوله‌هایی است که در برنامه‌های رسمی تعلیم و تربیت اهمیت کمتری را به خود اختصاص داده و با بی‌مهری عجیبی مواجه شده است این در حالی است که هنر در تعلیم و تربیت جهان از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. ساحت زیبایی‌شناختی و هنری بر استفاده افراد از ادراک چندحسی تأکید می‌کند و موجب می‌شود، تمام حواس آنان به یادگیری جلب گردد و از این طریق مطالب و مهارت‌ها بهتر درک شوند و از یک موقعیت به موقعیت دیگر تعمیم یابند که همه این عوامل می‌توانند نقش موثری در بهبود یادگیری و عملکردهای مرتبط با آن داشته باشند (ولی‌زاده و همکاران، ۱۴۰۱).

همانگونه که حجم بالایی از فعالیت‌ها، بر تحقق اهداف رسمی ساحت‌های ششگانه متمرکز است، ضرورت پرداختن به تأثیر ارتقاء ساحت‌های زیبایی‌شناسی و هنری بر روی فعالیت‌های فوق‌برنامه مشهود است. این موضوع باعث می‌شود خلاء وجود چنین پژوهشی بیش از پیش احساس شود. هدف این مقاله بررسی تأثیر ارتقاء ساحت زیبانشناختی و هنری، بر فعالیت‌های فوق‌برنامه فرهنگی هنری دانش‌آموزان است. این پژوهش در پی طراحی یک الگوی عملی است که فعالیت‌های فوق‌برنامه فرهنگی و هنری دانش‌آموزان استان اصفهان را به اهداف ساحت‌های سند تحول به‌ویژه ساحت زیبایی‌شناختی و هنری نزدیک نماید.

سوال اصلی این پژوهش عبارت است از اهمیت بخشی به اهداف و رویکردهای ساحت زیبایی‌شناسی و هنری چه تأثیری بر کیفیت فعالیت‌های فوق‌برنامه فرهنگی و هنری دانش‌آموزان دارد؟

۲- روش پژوهش

روش پژوهش در این مقاله، تلفیقی (کیفی-کمی) و از نظر الگوی پژوهشی، استقرایی از جزء به کل است. جامعه آماری پژوهش در

دو بخش هنر کودک: به هنر دوره ابتدایی، و هنر نوجوان و جوان و فعالیت‌های هنری دانش‌آموزان در دوره دبیرستان، اختصاص داده شد. در این پژوهش، ابتدا به مطالعه پیشینه تحقیق و اسناد بالادستی (از جمله سند تحول بنیادین و مبانی و برنامه درسی) با اثر پذیری الگوی «کلاین» پرداخته می‌شود؛ سپس سؤالات مصاحبه و ابزار اولیه جمع‌آوری داده‌ها، مدنظر قرار می‌گیرد. محققین قبل از انجام مصاحبه موضوع، سوال و راهنمای مصاحبه را با مصاحبه‌شوندگان در میان گذاشتند. در مرحله بعدی، مصاحبه‌های کیفی به طریق نیمه ساختاریافته و عمیق با گروه مخاطبین به عمل آمد. پس از انتخاب شرکت‌کنندگان توسط تیم پژوهش، جمع‌آوری داده‌ها، پیاده کردن محتوای صوتی و تبدیل آن به فایل ورد انجام گرفت. پس از منظم‌سازی یافته‌ها و تعیین برجسته‌ها و مفاهیم موجود در هر گزاره، محتوا در سامانه ماکس. کیو. دا. ورژن ۲۰۲۰ بارگذاری شد. نمونه‌گیری با مصاحبه ۲۸ نفر از اساتید، دبیران و فعالان فرهنگی و هنری که به‌طور خاص با موضوع مسابقات فرهنگی و هنری در ارتباط هستند، به اشباع رسید و پس از مصاحبه، واحدهای معنایی اولیه، از مصاحبه‌ها به دست آمدند و کدها استخراج شدند؛ سپس این کدها بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان مورد مقایسه قرار گرفتند و در ۹۲۵ کد باز ۶۲ کد محوری ۲۱ کد انتخابی یا گزینشی دسته‌بندی شدند. کدگذاری‌ها از طریق سامانه ماکس کیودا انجام شد و سپس با توجه به محتوای مفاهیم مشترک، مقولات، وکدهای محوری آن با توجه به شریط علی، زمینه‌ای و مداخله‌ای، نتایج در قالب عناصر محوری نه‌گانه کلاین مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. اعتبارسنجی نتایج، هم از طریق جمعی از نخبگان و هم در قالب اجرای پژوهش کمی از طریق پرسش‌نامه محقق ساخته، از طریق سامانه اس. پی. اس. اس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

۳- مبانی نظری (ادبیات پژوهش / پیشینه پژوهش)

پیشینه پژوهش

نگاهی به منابع اطلاعاتی معتبر هم چون مقالات، مجلات و کتب نشان می‌دهد، در خصوص ساحت زیباشناختی و هنری مسابقات فرهنگی و هنری دانش‌آموزان تحقیقات زیادی صورت نپذیرفته است؛ لذا با توجه به محدود بودن منابع مطالعاتی، در ذیل به شرح برخی از تحقیقات انجام شده، پرداخته می‌شود.

اصغرزاده و همکاران (۱۴۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «فهم مقوله‌های زیبایی‌شناسی»، افق‌های الهام‌بخش در فعالیت‌های تربیتی (بازشناسی سند تحول بنیادین)، به شناخت و گسترش فهم ابعاد زیبایی‌شناسی در حوزه فعالیت‌های تربیتی مدارس می‌پردازند و به این نتیجه‌گیری می‌رسند که با رویکرد و زمینه‌سازی زیبایی‌شناختی فعالیت‌های امور تربیتی در مدارس می‌توان به اهداف تربیت اخلاقی، اجتماعی و توسعه یافته و پویا، عقلانی، آرامش‌بخش، متناسب با سیر رشدی دانش‌آموزان در دوره‌های تحصیلی سه‌گانه دست یافت. این پژوهش، تنها فعالیت‌های درون مدرسه را به صورت کیفی مورد بررسی قرار داده و پرداختن به فعالیت‌های فوق‌برنامه که متولی اصلی، اولیاء دانش‌آموزان هستند، جزء اهداف نبوده است.

قدیریان و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان «مدل پارادایمی نهادینه سازی فعالیت‌های فوق‌برنامه ورزشی دانشگاهی در دانشجو- معلمان دانشگاه فرهنگیان» به بررسی فعالیت‌های ورزشی دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان پرداخته است؛ نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، برنامه محوری و شناخت نهادینه‌سازی فعالیت‌های فوق‌برنامه ورزشی در سطح دانشگاه فرهنگیان (به‌عنوان متولی اصلی تربیت و تامین نیروی انسانی آموزش و پرورش) پیامدهای عمده‌ای در توسعه بهزیستی روانشناختی، مدیریت در زمینه‌ی اوقات فراغت و کاهش ناهنجاری رفتاری در ابعاد مختلف را در بر خواهد داشت. موضوع این پژوهش فعالیت‌های ورزشی دانشجو معلمان است؛ اما به فعالیت‌های فوق‌برنامه دانش‌آموزی نیز اشاره شده است.

جمشیدزاده و معینی (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی رابطه مطالعه منابع غیردرسی و میزان مشارکت در فعالیتهای فوق‌برنامه مدرسه با میزان عملکرد تحصیلی دانشجویان» به این نتیجه می‌رسند که بین مطالعه منابع غیر درسی و میزان مشارکت در فعالیت‌های فوق‌برنامه مدرسه با میزان عملکرد تحصیلی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد؛ همچنین مشخص شد، میانگین

تأثیر انگیزه مشارکت در فعالیت‌های فوق‌برنامه در بین دختران بیشتر از پسران بوده است. این مقاله تنها به رابطه بین عملکرد تحصیلی و فعالیت‌های فوق‌برنامه اشاره دارد و مسابقات فرهنگی هنری دانش‌آموزان را به‌طور خاص مورد مطالعه قرار نمی‌دهد. در این پژوهش تنها اشاره‌ای به این مسابقات شده است.

نظری و یزدان‌ستا (۱۳۹۷)، در پژوهشی باعنوان «بررسی نقش فعالیت‌های فوق‌برنامه در عملکرد تحصیلی با توجه به نقش میانجی خلاقیت» در بُعد کمی نشان دادند، فعالیت‌های فوق‌برنامه بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر داشته و متغیر خلاقیت نیز به صورت میانجی بر این رابطه تأثیر مضاعف دارد. این تحقیق به موضوع خلاقیت پرداخته و فعالیت‌های فوق‌برنامه را بر اساس خلاقیت مورد مطالعه قرار داده است.

جاویدی کلاته و دیگران (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای باعنوان: زیبایی‌شناسی و هنر از دیدگاه ماکسین گرین و اشارات تربیتی آن، به کمبود زمان کافی برای اجرای درس هنر در مدارس می‌پردازند و نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، زمان اختصاص یافته به هنر که زمینه کسب تجربه احساسی در قبال زیبایی‌شناسی است در بسیاری از مدارس کاهش پیدا کرده است. این مقاله درس هنر در مدارس را به‌عنوان یکی از دروس رغبت‌انگیز و هدایت‌گر دانش‌آموزان، جهت آشنایی با مسابقات فرهنگی هنری و فعالیت‌های فوق‌برنامه معرفی کرده است.

موسوی (۱۳۹۶) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود باعنوان «بررسی آراء و نظرات علامه جعفری (ره) و آیزنر^۷ در تربیت زیبایی‌شناسی»، بر تأکید سند تحول بنیادین به تربیت فرهنگی و هنری اشاره کرده که باعث شناخت پیشینه فرهنگی و توانایی‌های فردی و توسعه ظرفیت‌های وجودی و کسب بخشی از شایستگی‌های مورد نیاز برای زندگی اشاره می‌کند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، استفاده از هنر و قالب‌های هنری، مناسب‌ترین طریق بازنمایی تجربیات غنی از احساس و عواطف انسانی است. از این پژوهش در بخش سند تحول بنیادین و ارتباط آن با تربیت فرهنگی و هنری دانش‌آموزان بهره برده شده است.

حسینی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی باعنوان «طراحی برنامه درسی فوق‌برنامه برای دانشگاه فرهنگیان»، به این نتیجه می‌رسند، در کشور ایران همچنان خلاء و فقر پژوهشی در ارتباط با برنامه درسی فوق‌برنامه وجود دارد. از این پژوهش در معرفی برنامه‌های فوق‌درسی استفاده شد.

زارعی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای تحت‌عنوان «مقایسه میزان توجه به ساحت‌های شش‌گانه تربیت در کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی قبل و بعد از اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» به این نتیجه رسیده‌اند که به ساحت‌های زیستی، علمی و فناوری، ارزش‌های اسلامی و ایرانی و هنری، توجه زیادی نشده است و در مجموع، قبل از اجرای سند کمتر و بعد از آن بیشتر به مولفه‌های مورد نظر سند در کتاب‌های فارسی دبستان توجه شده است؛ اما ضریب اهمیت و توجه ساحت‌های شش‌گانه در دوره ابتدایی بلافاصله قبل و بلافاصله بعد از اجرای سند تحول در یک سطح بوده است. این پژوهش بر ما آشکار می‌سازد که توجه به ابعاد مختلف شش‌گانه سند تحول، نیاز به بازنگری در همه زمینه‌ها خصوصاً در بخش فرهنگی و هنری دارد.

ولی‌زاده و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله دیگری باعنوان: تأثیر ساحت زیبایی‌شناختی و هنری مبتنی بر نمایش خلاق بر فرایند یاد‌دهی یادگیری، به این نتیجه رسیده که بسیاری از مهارت‌های فردی، بیش از آنکه در آموزش رسمی به‌دست آید، حاصل فعالیت‌های فوق‌برنامه در محیط یاد‌دهی-یادگیری بوده است.

مطالعات جهانی هم، همسوبا مطالعات داخلی است. پریدی^۸ و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهش خود به درک بیشتر ارزش برنامه‌های درسی فوق‌برنامه از دیدگاه یادگیری کارآفرینی پرداخته‌اند. آنها به این نتیجه رسیده‌اند که در دهه‌های گذشته فضای دانشگاهی شاهد افزایش چالش جهانی در زمینه‌ی ارلنه آموزش و پرورش در حوزه بنگاه‌داری و کارآفرینی، در قالب فعالیت‌های فوق‌برنامه بوده است. تحقیقات حاکی از آن است که در الگوهای اوقات فراغت مردان و زنان در جوامع مختلف، تفاوت وجود دارد؛ همچنین رایمر (۱۹۹۴) و استودلسکا (۲۰۰۶) و شینیو و دیگران (۲۰۰۴) بر این باورند که اوقات فراغت تابعی از وضعیت فرهنگی

و اجتماعی افراد هر جامعه است.

پژوهش (Han, 2022) درباره اهمیت توانایی زیبایی‌شناسی در آموزش هنر بر روی ۳۲۲ نفر از دانشجویان رشته آموزش هنر نشان داد، توانایی زیبایی‌شناسی نقش موثری در وضوح هدف‌های تدریس، برنامه علمی، راهنمایی دانشجویان، آفرینش آینده، بازتاب یادگیری، مشارکت در نمایشگاه‌ها، بهبود هنر، قدردانی از آثار هنری و روشهای آموزشی نوآورانه داشت.

پژوهش حاضر به صورت کیفی و کمی، به بررسی تأثیر ارتقای ساحت زیبایی‌شناسی و عملکرد مستقیم این ارتقاء بر فعالیت‌های فوق‌برنامه فرهنگی و هنری دانش‌آموزان در مسابقات برگزار شده در آموزش و پرورش می‌پردازد. این پژوهش کاملاً جدید و نوآورانه است و با تمامی پژوهش‌هایی که تا به حال در این زمینه اجرا شده است، متفاوت بوده و سعی در طراحی یک الگوی مشخص برای این مسابقات دارد.

ادبیات پژوهش

یکی از روشهای موثر بر فرآیند یاددهی و یادگیری، ساحت زیبایی‌شناسی هنری است (Ferguson, White and tytler, 2022). در سنده تحول بنیادین آموزش و پرورش ما با دو نوع تربیت هنری روبه‌رو هستیم. یکی تربیت هنری "موضوع محور"، به مثابه رویکرد اصلی و یکی هم رویکرد "دریافت احساس و معنا" به منزله رویکرد مکمل که به مثابه جهت‌گیری کلی این ساحت انتخاب شده است. رویکرد تربیت هنری موضوع محور در مقایسه با رویکردهای دیگر، جامعیت بیشتری دارد (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰). در واقع رویکرد موضوع محور به منزله مقدمه‌ای برای ورود به رویکرد دریافت احساس و معنا، از آیات آفاقی و و انفسی خداوند محسوب می‌شود. بر این اساس پژوهش حاضر، درصدد آن است که مشخص کند، فعالیت‌های فوق‌برنامه، از چه الگویی باید تبعیت کنند که نه تنها در تعارض با اهداف ساحت‌های تربیتی شش‌گانه سند تحول بنیادین قرار نگیرند؛ بلکه تقویت‌کننده و ارتقابخش آن اهداف نیز باشند. به‌ویژه الگوهایی که موجب می‌شود، فعالیت‌های فرهنگی و هنری دانش‌آموزان در تحقق اهداف خاص تربیتی زیبایی‌شناختی و هنری در هردو قسم یاد شده موثر است. یعنی هم در زمینه‌ی موضوع محور بودن و هم در عرصه دریافت احساس و معنا. رضایی در تحقیقی که مبنای مطالعات نظری سند تحول بنیادین در این حوزه قرار گرفت، معتقد است این رویکرد، ضمن برخورداری از سه قلمرو معرفتی تولید هنر، تاریخ هنر و زیبایی‌شناسی ناظر به اصول مشارکت و تعامل از اصول حاکم بر تربیت رسمی و عمومی است (رضایی، ۱۳۸۷). در این پژوهش، سه رویکرد مطرح در ساحت زیبایی‌شناختی و هنری بر شمرده شده که شامل قلمرو معرفتی نقد هنر نیز هست و آن وجه تمایز این رویکرد نسبت به رویکردهای دیگر نیز به‌شمار می‌آید. بر اساس این دیدگاه، اتخاذ رویکرد دریافت احساس و معنا شامل دو فرآیند "خلق معنا" و "کشف معنا" است. به عبارت دیگر، خلق هنر، نوعی رمزگذاری یا "رمزگردانی" و درک و دریافت هنر، نوعی "رمزگشایی" است. خلق معنا یا رمزگذاری، خاص هنرمند است و کشف معنا یا رمزگشایی، مختص به افراد علاقمند و غیراهل فن؛ اما بر این نظر، نقد جدی وارد است، توضیح آنکه بر اساس اهداف اصلی این ساحت، اگر هنر به منزله یک موضوع فرا رشته‌ای در نظر گرفته شود، قرار است فرد روح زیباشناختی را به تمامی حوادث و رویدادهای جهان سرایت دهد دیگر نمی‌توان آن را در قالب یک "رشته خاص" محدود و محصور دانست. بر این اساس به نظر می‌رسد، هدف مکمل یعنی دریافت "احساس و معنی" به نحو فراگیرتر و موثرتر از هدف اصلی "یعنی رمزگذاری و رمزگشایی" می‌تواند، ما را به مقصد برساند؛ در واقع به نظر می‌رسد، باید جای موضوع اصلی (رویکرد موضوع محور) با موضوع مکمل (رویکرد دریافت احساس و معنی) عوض شود تا همه مهارت‌ها و تواناییهای کسب شده در فرآیند یاددهی و یادگیری زمینه‌ساز دستیابی به هدفهای برنامه درسی شوند. (Rodriguez, Diaz, Gonzalez and Gonzalez-Miquel, 2019)

فعالیت‌های فوق‌برنامه فرهنگی و هنری

کودک و نوجوان از کلیه اتفاقات و مشاهدات که از طریق پنج حس خود دریافت می‌نماید، به‌عنوان منابع آموزشی و اطلاعاتی، تأثیر پذیرفته و آنها را در رفتار خود منعکس می‌کند (خیام‌نکویی و دیگران، ۱۴۰۳: ۶۳) و (طباطبایان، ۱۴۰۰: ۳۸۱). فعالیت‌های فوق‌برنامه، فعالیت‌هایی هستند که جزئی از برنامه‌های مراکز آموزشی محسوب شده و قادرند همه حواس دانش‌آموز را درگیر خود کنند. این فعالیت‌ها به‌منظور حفظ انگیزه و ایجاد چالش در یادگیرنده، به‌منظور تجربه در فضای آزاد و مرتبط با موضوعات درسی طراحی می‌شوند. دامنه‌ی فعالیت‌های فوق‌برنامه، محیط مراکز آموزشی تا فضای بیرون از آنها را شامل می‌شود. این گونه فعالیت‌های تربیتی را در مقابل فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده رسمی، فعالیت‌های فوق‌برنامه یا فعالیت‌های غیررسمی می‌نامند (تیمورنیا و دیگران، ۱۳۹۲). مسابقات فرهنگی و هنری به‌عنوان یکی از شاخص‌های اصلی فعالیت‌های فوق‌برنامه در مدارس محسوب می‌شوند. اینکه تا چه حد این مسابقات توانسته است دانش‌آموزان را به اهداف ساحت‌های شش‌گانه تربیتی نزدیک کند، یکی از اهداف این پژوهش است که در بخش یافته‌ها و نتایج این پژوهش به آنها پرداخته می‌شود.

در لغت‌نامه علی‌اکبردهخدا، اوقات فراغت چنین معنا شده است: وقت و مقدار زمانی که برای امری فرض شده، ساعت، فرصت، گاه، زمان و مدت که جمع آن اوقات به معنی زمان‌هاست. آسایش و استراحت، ضد گرفتاری از کار و مشغله و همچنین فراغت داشتن، یعنی غفلت داشتن و فراموش کردن. فراغت در زبان عربی به معنای اضطراب و فراغ به معنای آسایش است (دهخدا، ۱۳۷۷). در زبان انگلیسی به معنای آسانی، سهولت و آسایش است فراغت در زبان انگلیسی از *Licere, Leisure* و نیز *Edse* به معنای، سهولت، آسانی، راحت، فراغت و آسایش گرفته شده است. در فرهنگ جامع انگلیسی فارسی، واژگان *Freedom, Svelet, Rest, Leisure* در ترجمه به معنای وقت آزاد از کار یا وظایف دیگر، وقت اضافی و یک رشته از فعالیتهای اضافی آورده شده است. مفهوم فراغت، الزاماً مترادف با تفریح نیست؛ بلکه زمان آزادی است که فرد در اختیار دارد و آن را به میل خود صرف می‌کند؛ به عبارت دیگر، فراغت مجموعه‌ای از فعالیت‌هاست که فرد با رضایت خاطر یا برای استراحت یا برای سرگرم شدن و یا افزایش اطلاعات یا آموزش و مشارکت اجتماعی، داوطلبانه پس از فارغ شدن از کارهای موظف شغلی، خانوادگی و اجتماعی بدان می‌پردازد (رسول‌زاده اقدام و دیگران، ۱۳۹۸).

ماکس کاپلان^۹ جامعه‌شناس آمریکایی، در کتاب (فراغت در آمریکا) فراغت را در مقابل کار در نظر گرفته است. به نظر او فراغت، خاطره‌ای دلپذیر است، نوعی رهایی از وظایف اجتماعی، نوعی ادراک روانی آزادی و نوعی فعالیت فرهنگی است و سرشتی از نوع بازی دارد. کاپلان، فراغت را از نظر محتوا یعنی نوع فعالیت تحلیل نکرده؛ بلکه از نظر رابطه‌ای که انسان با این فعالیت‌ها برقرار می‌کند، بررسی کرده است (kaplan, ۱۹۶۰).

سازمان ملی جوانان، فراغت را بر اساس موضوع به ۳ قسم مختلف تقسیم کرده است: فراغت به‌مثابه "زمان"، فراغت زمانی است که آنچه را می‌توانیم، انتخاب می‌کنیم. فراغت به‌عنوان "فعالیت": فراغت فعالیتی است که موجب ابراز وجود و خود شکوفایی فردی است. فراغت به‌عنوان "تجربه درونی": توجه به وضع روحی، روانی، جهت‌گیری؛ گرایش‌ها، شرایط و تجربه در ارتباط با فراغت است (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۴). غنی‌سازی اوقات فراغت در واقع، به معنی برنامه‌ریزی و تدارک لازم برای خودآموزی و ایجاد زمینه‌های مناسب به‌منظور کسب مهارت، دانش و ابداع روش‌ها و استانداردهایی جهت نظارت بر فرایند اوقات فراغت، برای جهت شکوفایی استعدادها و توانمندی دانش‌آموزان است.

فعالیت‌های فوق‌برنامه تحصیلی با اصطلاحات مختلفی تعبیر می‌شود که معروف‌ترین آنها عبارت‌اند از فعالیت‌های فوق‌برنامه، خارج از کلاس، غیررسمی و کمک‌برنامه‌ای (حاجی‌آقالو و همکاران، ۱۳۸۱). منظور فعالیت فوق‌برنامه در این پژوهش صرفاً فعالیت‌هایی است که توسط عوامل مدرسه برنامه‌ریزی می‌شود؛ چه محل اجرای آن داخل مدرسه است و چه خارج از آن؛ با وجود این، فعالیت‌های فوق‌برنامه، شامل اردوهای دانش‌آموزی، بازدیدهای علمی، سیاحتی، فرهنگی خارج از محیط فیزیکی مدرسه نیز خواهد شد. این متغیرها ارتباط تنگاتنگی با اوقات فراغت دانش‌آموزان در خارج از مدرسه دارد و از سوی

دیگر، با مسابقات فرهنگی و هنری که هر ساله در مدارس اجرا می‌شود، پیوند می‌خورند؛ لذا به‌عنوان بخش اصلی و مهم این پژوهش محسوب شده و مورد ارزیابی و پژوهش قرار می‌گیرند.

الگوی برنامه درسی نه‌گانه کلاین

عناصر برنامه درسی قالب‌های متعددی دارد که در پژوهش‌های کیفی و کمی مورد توجه پژوهشگران قرار می‌گیرد. یکی از الگوهای برنامه درسی، الگوی کلاین است که تحلیل نتایج این پژوهش، بر مبنای عناصر الگوی آن صورت گرفته است. برنامه درسی به مجموعه‌ای از فعالیت‌هایی که مورد استفاده قرار گرفته و به توسعه امر تعلیم و تربیت می‌انجامد، اطلاق می‌شوند. کلاین (۱۹۹۱) عناصر تشکیل‌دهنده برنامه درسی را شامل اهداف، محتوا، راهبردهای یاددهی و یادگیری، مواد و منابع، فعالیت‌های یادگیری فراگیران، روش‌های ارزشیابی، گروه‌بندی فراگیران، زمان و فضا می‌داند (مهر محمدی، ۱۳۸۱). نه عنصر مطرح‌شده توسط مهر محمدی که برای طراحی برنامه آموزشی استفاده می‌شوند، در جهت محقق کردن نتایج نهایی یادگیری بسیار مهم هستند که در این پژوهش جهت ارتقای ساحت زیبایی‌شناسی مسابقات فرهنگی و هنری دانش‌آموزان مورد استفاده قرار می‌گیرند و در ادامه به بررسی هریک از این عناصر نه‌گانه پرداخته می‌شود.

اولین قدم در طرح برنامه آموزشی، مشخص کردن هدف‌های آموزشی است و نتایج و هدف‌های حاصل از آموزش که در مدارس یا سازمان‌های آموزشی ارایه می‌گردد، زیربنای هر آموزشی را تشکیل می‌دهد. هر آنچه در حین آموزش یا پس از آن ارایه می‌شود، همه از هدف‌های آموزش ناشی می‌شوند و نداشتن هدف در شروع آموزش به معنی شروع سفری است بدون مقصد، بدون راه، بدون نقشه و به عبارت دیگر، سرگردانی و عدم رسیدن به دستاوردی مشخص است. آموزشی که هدف ندارد، هیچ‌گونه معیاری برای سنجش صحت و سقم محتوای آموزشی در اختیار قرار نمی‌دهد و باید گفت که آموزش بدون هدف بهتر است که انجام نشود (علی‌پور، ۱۳۹۵: ۹۸). بر این اساس، هدف‌های برنامه درسی باید متناسب با شرایط و امکانات جامعه و با توجه به نیازهای آن به شرح ذیل تعیین گردد:

الف- با توجه به تحولات سریع حوزه دانش و اطلاعات، اهداف برنامه درسی باید انعطاف‌پذیری و قابلیت تغییر داشته باشند؛
ب- اهداف برنامه درسی باید با شرایط و امکانات یادگیرندگان متناسب و هماهنگ در نظر گرفته شوند و نیازهای آنی و آتی آنها را برطرف کنند؛

ج- هدف‌های برنامه درسی باید به صورت جامع تمامی جنبه‌های عقلانی، معنوی، جسمانی، اجتماعی و فردی را دربرگیرد؛

د- در تعیین اهداف باید به ساختار دانش و اطلاعات توجه شود؛

ه- برای مشخص نمودن اهداف باید به هر سه حیطه شناختی، عاطفی و روانی - حرکتی تاکید نمود؛

و- در طراحی اهداف آموزشی باید مهارت‌های علمی و حرفه‌ای را در نظر گرفت و به جنبه کاربردی آن هم پرداخت؛

ز- در تعیین اهداف، محیط آموزشی و موسسات اجتماعی باید ارتباط و هماهنگی داشته باشند؛

ح- اهداف باید با توجه به زمان حال و آینده تعیین شوند.

بعد از مشخص نمودن اهداف، لازم است محتوای برنامه آموزشی، انتخاب گردد و پس از ساماندهی برای رسیدن به اهداف آموزشی از آن بهره برد. محتوا، از عناصر اصلی و مهم برنامه درسی و فوق‌برنامه درسی است که دست‌یابی به اهداف آموزشی از طریق آن انجام می‌پذیرد. نخستین قدم در رسیدن به اهداف، انتخاب و گزینش مناسب محتوای مطلوب است که به صورت برنامه درسی ارایه می‌شود؛ علاوه بر این، محتوا به فرایندهای شناختی اشاره دارد که یادگیرندگان در موقع تفکر درباره محتوا مورد استفاده قرار می‌دهند (ملکی، ۱۳۹۶). قدم بعدی در طرح یک الگوی موثر در یک برنامه آموزشی، پرداختن به ارزشیابی صحیح در این الگو است. ارزشیابی، به معنای معین کردن ارزش آن تعریف می‌شود (نصیری و دیگران، ۱۴۰۲: ۷۹). از یک منظر ارزیابی و ارزشیابی را می‌توان، مترادف دانست. ارزشیابی وسیله‌ای برای تعیین میزان موفقیت یک برنامه در رسیدن به هدف‌های آموزشی است که در این تعریف، هدف‌های آموزشی تغییرات مطلوبی هستند که انتظار می‌رود، در اثر اجرای هدف‌های آموزشی در رفتار یادگیرندگان ایجاد شود؛ لذا

در فرایند ارزشیابی تعیین میزان تغییرات رفتاری، با عنایت به هدف‌های آموزشی از قبل مشخص شده است (بهرنگی، ۱۳۹۸). گام بعدی در الگوی برنامه درسی کلاین، استفاده از راهبردهای یاددهی و یادگیری است؛ به طوری که این تدابیر باعث تسهیل انتقال دانش و اطلاعات در فرایندهای یادگیری انجام شده گردد و بایستی یادگیری فعال فراگیر را تسهیل نماید (ملکی، ۱۳۹۶).

پرداختن به مواد و منابع یک الگوی برنامه درسی در الگوی کلاین مورد توجه این پژوهشگر است. مواد و منابع، مجموعه‌ای از مواد یا موقعیت‌هاست که به منظور قادر ساختن فراگیر به یادگیری، تولید می‌شود (علی‌آبادی، ۱۳۹۷: ۸۶). در طراحی فعالیت‌های یادگیری باید بر مسائل چالش برانگیز و تعاملات اجتماعی و علائق یادگیرنده تأکید شود و یادگیری فعال مبتنی بر آموزش یادگیرنده، محور توجه قرار گیرد. در این الگو، کلاین بر گروه‌بندی و کار تیمی بین یادگیرندگان تأکید دارد و تعامل گروهی بین یادگیرندگان را انگیزه‌ای مثبت جهت کسب مهارت‌های گروهی می‌داند؛ علاوه بر این، در یک برنامه آموزشی همواره محتوا به همراه شیوه‌ها و مواد در جهت دستیابی به اهداف در یک محدوده زمانی مشخص ارائه می‌گردد و برنامه طراحی شده باید از لحاظ زمانی، شناخت و یادگیری مطلوب را در فراگیر ایجاد نماید (علی‌آبادی، ۱۳۹۷: ۱۰۱). آخرین گام در طراحی برنامه آموزشی کلاین توجه به فضا و مکان است. فضای آموزشی باید موجب تحریک یادگیرندگان شده و در آنها انگیزه لازم را ایجاد نماید و از فعالیت‌های یادگیری، حمایت آنها را تسهیل کند تا معلم بتواند، به خوبی فعالیت خود را اجرا کند (فتحی، ۱۴۰۳: ۶۸).

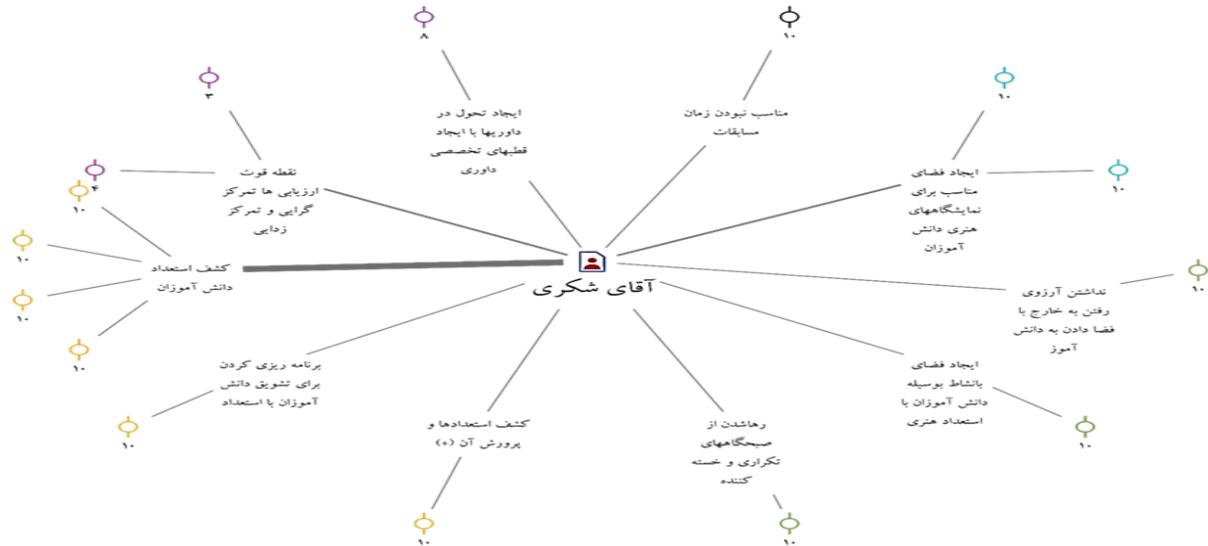
۴- بحث و تحلیل یافته‌ها

در این بخش فرآیند تحلیل داده‌ها معرفی می‌گردد. ابتدا به منظور دستیابی به داده‌هایی که بتوان با آن به پاسخ پرسش‌های پژوهش دست یافت، بیست و هشت نفر از دبیران فرهنگ و هنر، داوران، کارشناسان، برندگان سالهای گذشته مسابقات علمی و فرهنگی، معاونین پرورشی مدارس، اساتید دانشگاه و فعالان حوزه امور فرهنگی و هنری که به صورت کارشناس در آموزش و پرورش در حال فعالیت بودند، انتخاب شدند و سوالات مصاحبه‌ها به صورت نیمه‌ساختاریافته و با تأکید بر ساحت زیبایی‌شناسی و هنری، براساس الگوهای نه‌گونه کلاین، طراحی و در اختیار آنها قرار داده شد. پس از انجام مصاحبه و اطمینان از اشباع مقوله‌ها، سوالات متن مصاحبه‌ها به دقت پیاده‌سازی شد؛ پس از ویرایش متن، به منظور بهره‌گیری دقیق روش‌های تحلیل داده‌ها به وسیله نرم‌افزار مکس. کیو. دا، کدگذاری باز و کدگذاری محوری انجام شد؛ سپس با دقت، کدهای انتخابی تعیین شدند. برای بهبود فرایند طبقه‌بندی، کدها در قالب مقوله‌ها، ابزار مقایسه‌های نظری به وسیله اشتراوس و کوربین پیشنهاد و بر این اساس، حدود ۹۲۵ کد باز در قالب ۶۲ مقوله و در ۲۱ کد محوری دسته‌بندی شده است. گاه در صورت ضرورت، برخی از مقولات تغییر یافتند و ارتباط جدیدی بین مقوله‌های اصلی و مقوله‌های فرعی شکل گرفت. مدلی که شامل: ۱- پدیده اصلی، ۲- شرایط علی، ۳- شرایط زمینه‌ای، ۴- شرایط مداخله‌گر، ۵- راهبردها ۶- اقدامات و پیامدها بود.

ابرقدها قالبی است که سامانه مکس. کیو. دا، در اختیار ما قرار می‌دهد تا در یک نگاه، نکات کلیدی و محوری هر گروه از مصاحبه‌شوندگان را مشاهده کنیم. در این ابرکدها، فونت بزرگتر گزاره‌ها، در کانون مرکزی شکل قرار می‌گیرد و آن موضوع از فراوانی و اهمیت بیشتری، نزد مصاحبه‌شوندگان برخوردار است. در ذیل به عنوان نمونه ابرکدهای گروه متخصصین (نمودار شماره ۱) را مشاهده می‌کنید. این اشکال عیناً از طریق سامانه مکس. کیو. دا، استخراج شده و نشان می‌دهند، مفاهیم اصلی مندرج در هر یک از این مصاحبه‌ها حول چه موضوعاتی بوده است و ذیل هر محور چند موضوع فرعی دیگر وجود دارد. در مصاحبه هم‌زمان با مربیان ارشد حوزه فعالیت‌های فرهنگی و هنری استان اصفهان (آقایان مرتضی شکری و مرتضی یزدانی و خانم‌ها اشرف مهنایی و شهلا فتحی) ده محور اساسی مشخص و ماتریس این مصاحبه در شکل ۱ براساس محورهای مذکور ذکر گردیده است.

۱- زمان مناسب و نامناسب مسابقات؛ ۲- لزوم ایجاد تحول در داوری‌ها با ایجاد قطب‌های تخصصی داوری؛ ۳- لزوم توجه به نقاط قوت و ضعف ارزیابی‌های تمرکزگرا و تمرکز زدا؛ ۴- نحوه کشف استعدادها و دانش‌آموزان؛ ۵- لزوم برنامه‌ریزی

بهرتر برای تشویق دانش‌آموزان موفق در امر مسابقات؛ ۶- لزوم پرورش استعدادها پس از کشف آن در مسابقات فرهنگی و هنری؛ ۷- بهره‌گیری از دانش‌آموزان موفق در امر مسابقات، به‌منظور پیشگیری از اجرای صبحگاه‌های تکراری؛ ۸- ایجاد فضای با نشاط در مدرسه از طریق توانمندی‌های دانش‌آموزان؛ ۹- بها دادن به دانش‌آموزان مستعد و تقویت هویت ملی به‌منظور کاهش از تب مهاجرت به خارج؛ ۱۰- ایجاد فضای مناسب برای ارایه آثار نمایشگاهی دانش‌آموزان.



شکل شماره ۱: محورهای مصاحبه با مربیان ارشد اداره کل

آموزش ارجح است به استعداد
بررسی نکات عملکرد مربیان پرورشی، روزی و گردن دانش‌آموزان با اولویت جامعه در زمینه‌ها یا استعداد کندگی که استفاده از نیروی متخصص فرهنگی در صورت نیاز از روش‌های فرهنگی همسوزن با ارزشهای فرهنگی آموزش نهاد و نگاره با ارائه آزمون به دانش‌آموزان برای اهداف سنجش و ارزیابی و استفاده از روش‌های تخصصی در مسابقات و کلاس‌ها. کارگزاران باید به این نکته توجه داشته باشند که در صورت تخصصی شدن دانش‌آموزان، باید به آنها فضای مناسب برای رشد و شکوفایی استعدادها و مهارت‌های خود را فراهم کرد. همچنین، مربیان باید به دانش‌آموزان کمک کنند تا بتوانند به‌طور مؤثر در مسابقات شرکت کنند و نتایج مثبتی را تجربه کنند.

افزایش آشنایی با روش‌های نوین آموزشی
مربیان باید به‌طور مستمر در زمینه‌های نوین آموزشی به‌روز شوند و از روش‌های نوین آموزشی استفاده کنند. این امر می‌تواند به بهبود کیفیت آموزش و یادگیری دانش‌آموزان منجر شود. همچنین، مربیان باید به دانش‌آموزان کمک کنند تا بتوانند به‌طور مؤثر در مسابقات شرکت کنند و نتایج مثبتی را تجربه کنند.

توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان
مربیان باید به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان توجه داشته باشند و به هر دانش‌آموز کمک کنند تا بتواند به‌طور مؤثر در مسابقات شرکت کند و نتایج مثبتی را تجربه کند. همچنین، مربیان باید به دانش‌آموزان کمک کنند تا بتوانند به‌طور مؤثر در مسابقات شرکت کنند و نتایج مثبتی را تجربه کنند.

ایجاد فضای مناسب برای نمایشگاه‌های هنری دانش‌آموزان
ایجاد فضای مناسب برای نمایشگاه‌های هنری دانش‌آموزان می‌تواند به تشویق آنها به خلق آثار هنری و افزایش مهارت‌های خود منجر شود. همچنین، این امر می‌تواند به بهبود روحیه و اعتماد به نفس دانش‌آموزان کمک کند.

نتایج آرزوی رفتن به خارج یا فضا دادن به دانش‌آموز
نتایج آرزوی رفتن به خارج یا فضا دادن به دانش‌آموز می‌تواند به تشویق آنها به تلاش بیشتر و بهبود عملکرد خود منجر شود. همچنین، این امر می‌تواند به بهبود روحیه و اعتماد به نفس دانش‌آموزان کمک کند.

ایجاد فضای پاتاشامپ بوسیله دانش‌آموزان با استعداد
ایجاد فضای پاتاشامپ بوسیله دانش‌آموزان با استعداد می‌تواند به تشویق آنها به فعالیت‌های فرهنگی و هنری و افزایش مهارت‌های خود منجر شود. همچنین، این امر می‌تواند به بهبود روحیه و اعتماد به نفس دانش‌آموزان کمک کند.

رهاشدن از مسابقات تکراری و خسته کننده
رهاشدن از مسابقات تکراری و خسته کننده می‌تواند به کاهش بار روانی دانش‌آموزان و افزایش انگیزه آنها منجر شود. همچنین، این امر می‌تواند به بهبود روحیه و اعتماد به نفس دانش‌آموزان کمک کند.

کشف استعدادها و پرورش آن (+)
کشف استعدادها و پرورش آن (+) می‌تواند به شناسایی و پرورش استعدادهای دانش‌آموزان و افزایش مهارت‌های خود منجر شود. همچنین، این امر می‌تواند به بهبود روحیه و اعتماد به نفس دانش‌آموزان کمک کند.

برنامه ریزی کردن برای تشویق دانش‌آموزان با استعداد
برنامه ریزی کردن برای تشویق دانش‌آموزان با استعداد می‌تواند به تشویق آنها به تلاش بیشتر و بهبود عملکرد خود منجر شود. همچنین، این امر می‌تواند به بهبود روحیه و اعتماد به نفس دانش‌آموزان کمک کند.

کشف استعداد دانش‌آموزان
کشف استعداد دانش‌آموزان می‌تواند به شناسایی و پرورش استعدادهای دانش‌آموزان و افزایش مهارت‌های خود منجر شود. همچنین، این امر می‌تواند به بهبود روحیه و اعتماد به نفس دانش‌آموزان کمک کند.

انتقال قدرت گزینی و تمرکز زدایی
انتقال قدرت گزینی و تمرکز زدایی می‌تواند به تشویق دانش‌آموزان به فعالیت‌های فرهنگی و هنری و افزایش مهارت‌های خود منجر شود. همچنین، این امر می‌تواند به بهبود روحیه و اعتماد به نفس دانش‌آموزان کمک کند.

ایجاد تحول در دوره‌های تخصصی دایره‌ها
ایجاد تحول در دوره‌های تخصصی دایره‌ها می‌تواند به بهبود کیفیت آموزش و یادگیری دانش‌آموزان منجر شود. همچنین، این امر می‌تواند به بهبود روحیه و اعتماد به نفس دانش‌آموزان کمک کند.

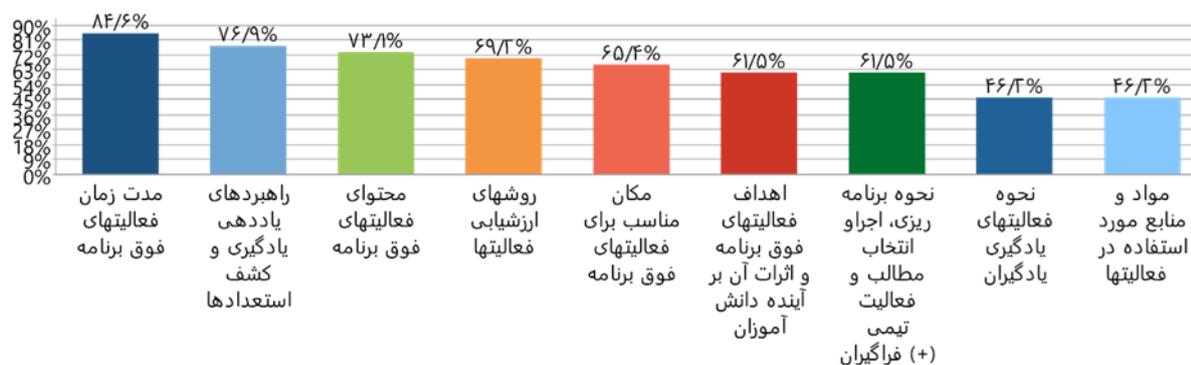
نمودار شماره ۱: ابرگراره مصاحبه با متخصصین هنری

بررسی ابعاد مسابقات فرهنگی و هنری بر اساس الگوی کلاین

پاسخ‌دهندگان به سوالات محققان در ارتباط با هر یک از ابعاد مختلف فوق‌برنامه به‌ویژه مسابقات فرهنگی و هنری که شامل اساتید دانشگاه، دبیران فرهنگ و هنر، دبیران پرورشی، فعالان هنری که با مسابقات در ارتباط هستند و دانش‌آموزان مقاطع ابتدایی و دبیرستان بودند به تشریح دیدگاه‌های خود در قالب شاخص‌های نه‌گانه برنامه‌ریزی کلاین در جریان برگزاری این مسابقات پرداختند.

(نمودار شماره ۳) بیانگر میزان مشارکت مصاحبه‌شوندگان در هر یک از عناصر نه‌گانه کلاین است. تفاوت محسوس میزان مشارکت مصاحبه‌شوندگان در هر یک از موضوعات تابع گرایش، مطالعات، علاقه‌مندی و صلاحیت ورود به این موضوعات است؛ به‌عنوان مثال، در حالی که ۸۴ درصد مصاحبه‌شوندگان پیرامون زمان مسابقات به‌عنوان یک موضوع عام اظهار نظر کرده‌اند، تنها ۲/۴۶ درصد آنان به دلیل تخصصی بودن بحث به مقوله فعالیت‌های یاد دهی یادگیری وارد شده‌اند و این هم کاملاً طبیعی است؛ پس نمی‌توان از دانش‌آموزان انتظار داشت، به این موضوع بپردازند.

آنچه که از کدهای باز، مفاهیم و مقوله‌ها حاصل شده است، از درجه اهمیت برابر و یکسانی برخوردار نیست؛ اما برای پاسخ‌گویی به سوال اصلی پژوهش، به اجبار از یک نقطه آغاز و در یک نقطه، به خط پایان می‌رسد تا زمینه را برای پاسخ‌گویی بهتر به سوال فراهم کند. در این بررسی از نمودارهای ستونی که همه توسط سامانه max.q.d.qa تهیه شده، کمک گرفته شد تا میزان فراوانی پاسخ‌ها به شکل عینی هم، قابل مشاهده باشند. لازم به ذکر است، در بخش تخصصی مسابقات، از میان متخصصین بیش از ۸۰ رشته موجود صرفاً دیدگاه صاحب‌نظران در ۱۰ رشته که از عمومیت بیشتری در میان جمعیت دانش‌آموزی شرکت‌کننده برخوردار است، مبنای این پژوهش قرار گرفته است:



نمودار شماره ۳: فعالیت‌های فوق‌برنامه

مواد و منابع: با توجه به محتوای مصاحبه‌ها ۵۰ درصد مصاحبه‌شوندگان بر این باور بودند که هرچند فرایند مسابقات به‌ویژه در دستورالعمل اجرایی سال ۱۴۰۲ نسبت به سالهای قبل از کیفیت بهتری برخوردار است؛ ولی باید، فرایند اجرایی این مسابقات باز هم بهبود یابد. آنان معتقد بودند، ما هنوز تا رسیدن به وضعیت مطلوب فاصله زیادی داریم؛ این در حالی است که به همین نسبت، بر تقویت این‌گونه مسابقات تأکید کرده‌اند. در این بازنگری ۲۰ درصد مصاحبه‌شوندگان تأکید کرده‌اند که در تدوین فرایند این مسابقات باید از دیدگاه دانش‌آموزان نیز بهره گرفته شود. با اینکه تعداد و تنوع این مسابقات از هشت رشته در سالهای اولیه به بیش از ۸۰ رشته در سال ۱۴۰۴ رسیده و رشد ده برابری داشته است؛ ولی ۱۰ درصد مصاحبه‌شوندگان همچنان معتقد بودند، تنوع در این مسابقات کافی نیست و باید برخی از رشته‌های دیگر را نیز شامل شود.

اضافه‌کردن و کاهش رشته‌ها: درخصوص اضافه کردن یا کاهش دادن مسابقات، شاهد دیدگاه‌های مختلف و گاه متعارض مصاحبه‌شوندگان بودیم؛ به‌عنوان مثال، در حالی که ۱۰۰ درصد شرکت‌کنندگان با افزایش تعداد مسابقات در حوزه‌های گوناگون موافق بودند؛ ولی برخی از آنان تعداد مسابقاتی که در دستورالعمل مربوط ذکر شده را زیاد توصیف کردند و معتقد بودند، این تعداد (بیش

از ۸۰ عنوان) تمرکز مسئولان و مجریان را برهم می‌زند و نیرو و توان مدیریتی آنان را پراکنده می‌کند. مضافاً بر اینکه از عمق و کیفیت مسابقات کم خواهد کرد. این دیدگاه متعلق به ۵۰ درصد مصاحبه‌شوندگان بود؛ ولی ۵۰ درصد دیگر اعتقاد داشتند، می‌توان به تعداد مسابقات افزود و هم می‌توان از آن کم کرد؛ به شرطی که، معیار و شاخصی برای این کار داشته باشیم. به‌عنوان مثال، یکی از شاخص‌ها اضافه یا کم کردن براساس هنرهای اقلیمی و فرهنگ بومی-محلی است. یکی دیگر اضافه یا کم کردن بر اساس ویژگی‌های سنی دانش‌آموزان، یا ویژگی‌های جنسی و جنسیتی و یا حتی اضافه یا کم کردن بر اساس مقطع تحصیلی مختلف است. اضافه کردن به تعداد مسابقات براساس شاخص‌های میراث فرهنگی هر استان، اضافه کردن مسابقات بر اساس تنوع هنر در عصر جدید نیز از پیشنهادات دیگری بود که توسط مصاحبه‌شوندگان مطرح شد.

کارگروهی: برگزاری دوره‌های آموزشی به «شکل کارگاهی و عملی» و نه به شکل نظری برای مربیان بیشترین دیدگاه را درزمینه‌ی راهکاری برای تقویت بنیه مجریان و کیفیت مسابقات به خود اختصاص داد؛ همچنین ارائه و تقویت واحدهای آموزش هنر به دانشجویان دانشگاه فرهنگیان به‌ویژه در رشته آموزش ابتدایی و استفاده از مدرسین متخصص رشته‌های هنری از جمله بهره‌گیری و استفاده از مربیان ارگانهای فرهنگی چون ارشاد و تبلیغات اسلامی، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برای آموزش مربیان تخصصی و استفاده از دبیران و اساتید هنر برای تربیت مربیان پرورشی و افزایش سطح تخصصی مربیان، منع استفاده از مربیان ناکارآمد در اجرای مسابقات تخصصی، افزایش نیروهای متخصص پرورشی در مدارس، از موضوعاتی بود که مصاحبه‌شوندگان به آن پرداختند. جالب است بدانیم، در این راستا ۷۵ درصد مصاحبه‌شوندگان تأکید بر مربیان داخلی داشتند و فقط ۲۵ درصد آنان اعتقاد به استفاده از مربیان متخصص سایر نهادها و ارگان‌ها بودند؛ در واقع یک مربی پرورشی باید تا حدودی با انواع هنرها آشنایی اجمالی داشته و به تعبیر متخصصین ارشد این حوزه، همه‌فن حریف باشد.

اهداف: یکی از اساسی‌ترین موضوعات در این پژوهش، محقق شدن یا نشدن اهداف فعالیت‌های فوق‌برنامه (مسابقات فرهنگی و هنری) است. ۶۲/۵ درصد شرکت‌کنندگان به موضوع «اهداف» پرداخته‌اند و اکثریت قریب به اتفاق آنان دلایل مختلفی را برای عدم دستیابی به اهداف بیان کرده‌اند؛ البته تنها ۲۵ درصد اعتقاد داشتند، ما به صورت کامل به اهداف مسابقات نائل شده‌ایم. ۴۳/۸ درصد معتقد بودند، ما در راه رسیدن به اهداف مسابقات تلاش می‌کنیم. آنان دستورالعمل مسابقات سال ۱۴۰۲ را دارای نقاط مثبت بیشتری قلمداد کردند. برخی معتقد بودند، بروکراسی و کاغذ بازی و گزارش‌دهی به‌منظور پر کردن بیلان کار همچنان بر اجرای مسابقات سایه افکنده است. ۱۸/۸ درصد از مصاحبه‌شوندگان علاوه‌بر اینکه باور داشتند، اهداف این مسابقات در حد انتظار توسط دانش‌آموزان تأمین می‌شود؛ همچنین بر این نکته تأکید دارند که این مسابقات در آینده‌ی شغلی دانش‌آموزان موثر است و اگر هدف از اجرای مسابقات فرهنگی و هنری در راستای اهداف سند تحول بنیادین به درستی تعریف نشوند، ما به نتیجه مطلوب نخواهیم رسید.

درزمینه‌ی اهداف و تأثیرات مثبت مسابقات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: درمان بیماری‌هایی که می‌تواند، در حوزه سایکودرام بروز پیدا کند، ایجاد راه‌های ارتباط عاطفی و انسانی، تقویت قدرت بیان، یادگیری زبان بدن، تقویت اعتمادبه‌نفس، تمرین کار گروهی و تیمی، تمرینی برای راه‌های رسیدن به اهداف در زندگی آینده، راهی برای تعامل بیشتر مدرسه با اولیاء و جامعه، آموزشی برای رسیدن به سایر اهداف زندگی، تشویق و ترغیب به فعالیت‌های غیر تکلیفی و اختیاری، آموزش مدیریت زمان، ایجاد انگیزه برای یادگیری زبان دوم (عربی-انگلیسی)، تقویت ارتباطات ملی و بین‌المللی، ترویج فرهنگ مطالعه، شناخت استعدادها، دانش‌آموزان و هدایت تحصیلی آنها، انجام کار گروهی به‌منظور رفع مشکلات روحی دانش‌آموزان از جمله افسردگی، جایگزین کردن اجرای زنده و تولید به جای مصرف‌محوری، کمک به اهداف برنامه‌های رسمی آموزشی سند، تمرکز بر ساحت‌هایی که ارتباط بیشتر با هنر دارند، ارتباط و هم‌خوانی اهداف فعالیت‌های فوق‌برنامه با سایر اهداف سند تحول بنیادین، اهمیت بخشی به تدوین برنامه‌های عملیاتی بجای برنامه‌های نظری براساس اهداف سند، تشویق به یادگیری مادام‌العمر در جریان انتخاب رشته مورد علاقه،

ایجاد ارتباط دانش عملی و نظری، ایجاد فرصت‌های پژوهش محور و پروژه‌های جامعه‌محور، ارتقاء مسئولیت‌پذیری و پشتکار، «تقویت پشتکار و تاب‌آوری، یادگیری اینکه چگونه از شکست‌ها درس گرفته شود، فراهم‌آوری زمینه برای اشتغال‌زایی، توسعه برنامه‌هایی که به دانش‌آموزان مهارت‌های لازم برای ورود به بازار کار را آموزش دهد. استفاده از معجزه هنر در ایجاد اعتمادبه‌نفس و عزت‌نفس، تمرین در احقاق حق، تمرین قدرت و مهارت نه گفتن در جامعه، تضمین موفقیت فرد در سرنوشت آینده با ایجاد اثر مثبت شکست‌ها و پیروزی‌های کم هزینه دوران کودکی، از جمله اهدافی است که اگر به درستی برنامه‌ریزی شود، قابل تحقق و به‌عنوان نتایج این مسابقات نیز قلمداد می‌شوند.

موانع در رسیدن به اهداف مسابقات عبارت‌اند از: ۱- گستردگی و تنوع فعالیت‌های مربیان پرورشی، به گونه‌ای که یک مربی، بخش کوچکی از زمان فعالیت‌های خود را می‌تواند، صرف این مسابقات کند؛ ۲- عدم برنامه‌ریزی اصولی و فقدان مدیران متخصص و برنامه‌ریز در عرصه فرهنگی و هنری؛ ۳- تغییر مکرر برنامه‌ها؛ ۴- عدم امکان مشارکت همه دانش‌آموزان در مسابقات؛ ۵- عدم دسترسی کافی دانش‌آموزان به شاخص‌های ارزیابی و نتایج فعالیت‌ها قبل از ورود آنان به این عرصه؛ ۶- عدم اطلاع شرکت‌کنندگان از سطح انتظارات مجریان؛ ۷- اجرای سلیقه‌ای مسابقات از نکاتی بود که مصاحبه‌شوندگان به آن پرداختند.

محتوای فعالیت‌های مسابقات: ۸۴/۲ درصد مصاحبه‌شوندگان به مقوله «محتوا» و اهمیت آن، توجه نشان دادند. ۳۱/۶ درصد بر تولید محتوای جذاب و کاربردی تأکید نموده، ۳۶/۳ درصد اعتقاد داشتند، محتوای مسابقات فرهنگی و هنری به گونه‌ای نیست که همه دانش‌آموزان را ترغیب کند تا در آن مشارکت نمایند و ۲۱/۱ درصد در مورد آسیب‌های محتوایی این مسابقات سخن گفتند.

به چالش کشیدن دانش آموز با انتخاب محتوایی که مبتنی بر مسائل خود آنان است، مناسب‌سازی محتوای فعالیت‌ها با گروه‌های سنی مختلف و به‌ویژه علائق نسل جدید، لزوم ایجاد محتوایی باکیفیت در فضای دیجیتال، سازماندهی مسابقات با تکیه بر مبانی روان‌شناختی کودک و نوجوان، برنامه‌ریزی بلندمدت برای ایجاد بانک محتوای مسابقات متنوع و سودمند، در نظر گرفتن سطح مخاطبین در تعیین محتوا، ایجاد محتوای فعالیت‌ها با توجه به تنوع فرهنگ، زبان و بوم هر منطقه، مشورت با دانش‌آموزان در انتخاب موضوعات مبتنی بر مسائل درون مدرسه و به‌روز بودن محتوای فعالیت‌ها از نکاتی بود که مصاحبه‌شوندگان بر آن تأکید داشتند. جای خالی بسیاری از موضوعات مبتنی بر فناوری‌های نو مورد تأکید برخی دیگر از مصاحبه‌شوندگان بود. استفاده از بازیهای جدید و گیمیفیکیشن^۱، انطباق‌پذیری با فن‌آوری‌های جدید و سلائق نسل جدید، طراحی محتوای فعالیت‌ها، در جهت ایجاد خلاقیت و تفکر خلاقانه، ارائه منابع برخط، دوره‌ها، کارگاه‌ها و منابع آموزشی مورد نیاز واقعی نیز، مورد تأکید قرار گرفته است. در خصوص علل عدم ارتباط دانش‌آموزان با عنوان و محتوای مسابقات دلایل متعددی عنوان شده از جمله: عدم اطلاع کافی برنامه‌ریزان از محتوای مورد نیاز فعالیت‌ها؛ در نظر نگرفتن سلیقه برخی از دانش‌آموزان به دلیل خاص بودن موضوع و محتوا؛ غلبه سیاست بر فرهنگ در تعیین محتوای برنامه‌ها.

یاددهی و یادگیری: مربیان و معلمان هنر بیشترین نقش را در عرصه «یاددهی و یادگیری» فعالیت‌های فوق‌برنامه ایفا می‌کنند. آموزش و پشتیبانی از معلمان، مربیان و کادر مدرسه، آموزش دانش‌آموزان برای آمادگی شرکت در فعالیت‌ها توسط مربی و معلم هنر، لزوم استفاده از مربیان متخصص در حوزه یاددهی-یادگیری، به‌روز بودن روشهای یاددهی-یادگیری در آموزش‌ها توسط مربی و معلم هنر، آسیب‌زا بودن سیستم آموزشی بیرون از مدارس به لحاظ تربیتی، توجه به شکل گرفتن بنیان مسابقات در فضای آموزشگاه‌های آزاد، نبودن امکانات آموزش و یاددهی هنر در مدارس و سوء استفاده کاذب بازار آزاد از این نیاز واقعی، از نکاتی بود که مصاحبه‌شوندگان بر آن اصرار داشتند. در مورد روش‌های مناسب در آموزش رشته‌های مختلف به‌منظور زمینه‌سازی مسابقات نکاتی نیز همچون، فراهم کردن راهنمایی‌های مستمر آنان، استفاده از توان و تجربه دانش‌آموزان رتبه‌های برتر مسابقات دوره‌های قبل برای انتقال به دانش‌آموزان فعلی، ایجاد علاقه با استفاده از روش‌های یادگیری و یاددهی، برنامه‌ریزی دقیق جهت ارتقاء سطح دانش و

توانمندی شرکت‌کنندگان، پیشگیری از تبدیل کلاس هنر به مکانی برای آموزش همه رشته‌ها و فراهم نمودن امکان دسترسی به محتوای آموزشی مسابقات مورد توجه مصاحبه‌شوندگان بود. در زمینه‌ی نحوه فعالیت‌های یادگیری یادگیران ۶۶/۷ درصد مخاطبان ما در مصاحبه، در این مورد به بیان دیدگاه خود پرداختند. ۳۳/۳ درصد از کمبود امکانات ۲۵ درصد به نقش مربی در ارایه محتوای مناسب و ۱۶/۷ درصد اهمیت محتوا را در دستیابی به اهداف ساحت‌ها مهم ارزیابی کردند.

همچنین ایجاد کلاس‌های رایگان هنری، مشارکت حداکثری، ارزشمند کردن تقدیرنامه رتبه‌های برتر، توجه به انگیزه‌های درونی و بیرونی دانش‌آموزان برای شرکت در مسابقات، استفاده بجا و موثر از تکنولوژی و ایجاد کارگاه‌های آموزشی تخصصی به صورت متمرکز در دسترس بودن محتوای چندرسانه‌ای، همگام‌سازی با محتوای آموزشی و استفاده از واقعیت مجازی و واقعیت افزوده در این مسابقات، از دیگر عوامل تأثیرگذار بوده است.

تخصص: متخصص نبودن آموزگاران در اغلب رشته‌های هنری برای تدریس درس هنر، آموزش نامستمر معلمان و قطع ارتباط آنان با دانشگاه فرهنگیان پس از فراغت از تحصیل، عدم اجرای ترندهایی برای فرایند ایجاد علاقه دانش‌آموزان به رشته‌های هنری، خالی بودن آموزش و پرورش از مریبان مخصوص رشته‌های مورد نیاز در این مسابقات، نداشتن سرفصل و کتاب آموزش هنر در دوره ابتدایی، کافی نبودن واحدهای درسی هنر در دانشگاه فرهنگیان به‌ویژه در دوره آموزش ابتدایی، کمبود دوره‌ها و کارگاه‌های تخصصی مربوط به مریبان پرورشی، اهمیت‌زدایی از درس هنر در اجرای برنامه درسی هنر توسط مدیران، نداشتن الگوهای مناسب برای یادگیری دروس هنری، اهمیت ندادن به فعالیت‌های پرورشی نسبت به فعالیت‌های آموزشی و کمبود یا نقصان امکانات آموزش هنر در مدارس اشاره شده است. راه برون‌رفت از این آسیب‌ها و رفع آن در گام نخست، تربیت ارزیاب هنری و بازرسان تخصصی است که بتواند، بر فرایند اجرای مسابقات در تمامی مراحل نظارت نماید.

منابع مالی: گرانی لوازم و ابزار هنری یکی از دلایل عدم مشارکت برخی دانش‌آموزانی است که با ضعف بنیه مالی مواجه هستند. کمبود منابع مالی برای حق‌الزحمه مریبان و تأخیر در پرداخت آن از انگیزه مریبان می‌کاهد، نداشتن منابع مالی برای تشویق دانش‌آموزان برتر، یکی از پرچالش‌ترین مسائل در مصاحبه با دانش‌آموزان بود. این در حالی است که همین میزان، برای مسابقات نواحی و مناطق اختصاص نیافته است. آنان باید هزینه مسابقات را از محل درآمدهای اختصاصی خود تأمین کنند و اختلاف شدید نواحی و مناطق در میزان درآمدزایی از این محل موجب بی‌عدالتی میان مناطق محروم و مناطق برخوردار خواهد بود. ۵۰ درصد مصاحبه‌شوندگان بر اهمیت منابع مالی در ارتقاء کیفیت مسابقات تأکید کردند و ۵۰ درصد هم تأثیر کمبود منابع مالی، انسانی و فنی را در افت مسابقات مورد توجه قرار دادند. تنها ۸/۳ درصد بر استفاده از منابع موجود تأکید نموده و نقش آن را در بالا رفتن کیفیت مسابقات کم‌اهمیت ارزیابی کردند. یکی از چالش‌های این مسابقات به‌ویژه در بخش مسابقات فناوری‌های نو، در دسترس نبودن اینترنت و تجهیزات لازم برای شرکت‌کنندگان به‌ویژه در مناطق محروم عنوان شد. چالش دیگر عدم وجود آرشیوی از نمونه فعالیت‌های سالهای گذشته برای استفاده دانش‌آموزان فعلی است. به‌کارگیری پتانسیل‌های موجود هم برای موفقیت رو به رشد دانش‌آموزان کافی نیست. برخی آثار همه ساله تکرار می‌شوند و در برخی زمینه‌ها آثاری تولید نمی‌شود؛ لذا نبودن منابع کافی در حوزه فناوری در راستای چهارچوب مسابقات مورد تأکید برخی از مصاحبه‌شوندگان بود.

ارزشیابی مسابقات: مرحله ارزشیابی یکی از مهمترین و حساس‌ترین مراحل مسابقات است. اهمیت آن به حدی است که یک داوری غیرتخصصی و ناعادلانه می‌تواند، هدف و سرنوشت افراد را تغییر دهد. در این پژوهش، ۷۷/۸ درصد از مصاحبه‌شوندگان بر اهمیت داوری در مسابقات فرهنگی و هنری تأکید داشته‌اند. ۳۳ درصد آنان پیشنهادهایی برای روند بهتر داوری ارائه کرده و ۲۷/۶ درصد به مواردی که عموماً در فرایند داوری مراعات نمی‌شود، اشاره نمودند. تقریباً همین درصد معیارهایی را که در فرم‌های داوری دیده نشده‌اند، بر شمرده، ۱۶/۷ درصد معتقد بودند، چون فرم‌های داوری به شکل تخصصی تهیه شده، ایراد اساسی به آن وارد نیست. ۵/۶ درصد هم بازخورد درست نتایج داوری را در نزدیک شدن به اهداف سند نافذ دانستند. تأکید اولیه مصاحبه‌شوندگان بر نحوه ارزشیابی به صورت حضوری بود نه به صورت

مجازی، برخی مصاحبه‌شوندگان یکی از راه‌های جلوگیری از ایجاد نارضایتی شرکت‌کنندگان را ارزیابی درست اعلام کردند.

در زمینه‌ی داوری مصاحبه‌شوندگان نکات ذیل را مورد تأکید قرار دادند: لزوم ارزشیابی و بازبینی مداوم و مستمر فعالیت، توجه به عدم امکان تکرار و ارزیابی مجدد از فعالیت، در نظر گرفتن نحوه حصول پایداری دانش‌آموز و سختی کار در عملکرد، توجه به شرایط معلولیت دانش‌آموز در تولید اثر، انعطاف‌پذیری در ارزیابی اثر، توجه به نحوه ارزش‌گذاری با توجه به تنوع فرهنگی، ارزیابی از عناصر چشم‌نواز و ظاهر مناسب فعالیت، ارزیابی از نحوه تعاملات اجتماعی صاحب اثر در تارنماها، رعایت حقوق مدنی در زمان فعالیت، ارزشمندی محتوا، اصالت و منحصر به فرد بودن فعالیت و اثر، بررسی جنبه خلاقیت و نوآوری و بروز بودن آن، بررسی ابعاد مختلف هماهنگی تیمی در خلق اثر، درصد تعامل با مخاطبین یا مشاهده‌گران به‌ویژه در شبکه‌های مجازی، بررسی نحوه انتخاب روش و منابع تحقیق، تناسب محتوا با مخاطب، قابلیت در دسترس بودن اثر، امکانات فنی تولید اثر، استفاده از توانمندی لازم در تقویت محتوا، ارزیابی نحوه مستندسازی از برخی از فعالیت‌ها حین تولید اثر، بررسی دسترسی آسان به راهنمای نرم‌افزاری، ارزیابی در نظر گرفتن معیارهای زیست محیطی در استفاده از مواد و منابع، ارزیابی استانداردها حفاظتی اثر، پشتیبانی و به‌روزرسانی اثر در صورت امکان، استفاده از افکت‌های جذاب، مولفه‌های آموزشی به‌کار گرفته شده در تولید اثر، وضوح و روشن بودن معیارهای ارزشیابی، شفاف بودن امتیازات و از همه مهمتر تقویت انگیزه‌های بیرونی و درونی داوران از مهمترین نکاتی بود که باید در هنگام داوری، مورد توجه قرار گیرد.

مواردی که در ارزیابی‌ها موجب آسیب به پدیده داوری شده، عبارت‌اند از: انجام داوری به صورت غیر حرفه‌ای، تناقض بین داوری اثر در مدرسه با مسابقات در سطح منطقه و استان، استفاده از داوران غیر فنی، انتخاب داوران مسابقات به شکل جناحی به‌جای تأکید بر صلاحیت‌های حرفه‌ای آنان، پایین بودن حق‌الزحمه داوری و تأخیر در پرداخت همان مبالغ ناچیز، از جمله آسیب‌های رایج پدیده داوری بود. پیشنهادهای نیز برای بهبود روند داوری توسط مصاحبه‌شوندگان ارائه شد مانند: بررسی رزومه داوران از نظر تخصصی، اخلاقی و بررسی عملکرد داوری‌های جشنواره، ارزشیابی مبتنی بر نظر داور متخصص به‌جای امتیاز فرم‌های داوری، تأیید فرم‌های ارزیابی توسط یک تیم ورزیده و مجرب، ارزیابی و بازخورد برای اندازه‌گیری عملکرد و اثربخشی فعالیت‌ها در راستای اهداف. ایجاد سیستم ارزشیابی عددی علاوه بر ارزشیابی کیفی، استفاده از بازخوردها برای انگیزه‌بخشی فراگیران بعدی، فراهم کردن زمینه بازخورد همتابه‌همتا، تشویق و اهدای لوح یادبود و جوایز به تمامی راه‌یافتگان مرحله استانی، برگزاری جشنواره کشوری براساس نتایج ارزیابی جشنواره‌های منطقه‌ای و برخی از مصاحبه‌شوندگان نیز، لزوم برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های آموزش داوری را برای مربیان ضروری دانستند.

فعالیت‌های تیمی و گروهی: ارتقاء فعالیت‌های فوق‌برنامه با ایجاد گروه و کار گروهی و تیمی سازگاری بیشتری دارد؛ هرچند ذات برخی از این فعالیت‌ها مثل خوش‌نویسی یا شعر اقتضا می‌کند که انفرادی انجام شوند؛ در همان حال تأثیر فعالیت‌هایی که ذاتاً گروهی است، در زمینه‌ی تحقق اهداف ساحت‌های سند تحول بنیادین بیشتر است؛ لذا برخی از مصاحبه‌شوندگان بر این باور بودند که تشویق به کار تیمی و گروهی و افزایش تعاملات، ایجاد کارگروه ارزیابی از فعالیت‌ها، ارتقاء سطح کیفی فعالیت‌ها از طریق مشارکت و تقویت کار تیمی، لزوم برنامه‌ریزی و مدیریت کارها به صورت مشارکتی، ایجاد گروه و انتخاب اعضا توسط خود دانش‌آموزان نه توسط مربی و بالا بردن سطح یادگیری از طریق روش‌های مشارکتی می‌تواند، در رسیدن به هدف ساحت‌ها، بهتر کمک کند.

زمان مسابقات: پرچالش‌ترین مقوله در این پژوهش، زمان برگزاری مسابقات محسوب می‌شود. هرچند گروهی از مصاحبه‌شوندگان زمان برگزاری مسابقات را مناسب ارزیابی کرده‌اند؛ ولی عموماً بر نامناسب بودن تقویم زمانی مسابقات تأکید می‌ورزند. مخالفان، تداخل زمان امتحانات دانش‌آموزان را با این مسابقات و عدم تمرکز آنان را به علت این هم‌زمانی، آسیب‌زا بودن اجرای هم‌زمان همه مسابقات، کم بودن زمان برای انجام فعالیت‌های فوق‌برنامه جهت آمادگی تیم‌های شرکت‌کننده، عدم اختصاص زمان مشخص برای تمرین و آمادگی فعالیت‌های فوق‌برنامه، در برنامه‌ی کلاسی دانش‌آموزان، استفاده از بخشی از ساعات دروس دیگر و زنگ‌های استراحت دانش‌آموزان و اعلام پایان فرایند مسابقات و اعطاء جوایز آن در دهه فجر (وسط سال تحصیلی)، مهمترین چالش فعالیت‌های فوق‌برنامه اعلام شد.

۹۰/۹ درصد مصاحبه‌شوندگان زمان را به‌عنوان یک موضوع پر چالش محسوب کرده‌اند و این موضوع نشان‌دهنده اهمیت بالای آن در بین سایر عوامل است. ۳۱/۶ درصد آنان کمبود زمان را علت اصلی آسیب به فعالیت‌ها در نظر گرفته‌اند. ۲۲/۷ درصد هم عدم وجود زمان مشخص در برنامه درسی را به‌عنوان چالش فعالیت‌های فوق‌برنامه تلقی کرده‌اند.

مکان مسابقات: به نظر می‌رسد، هیچ مکان مشخصی برای این‌گونه فعالیت‌ها در مهندسی ساخت‌وساز مدارس پیش‌بینی نشده و با توجه به کمبود فضای آموزشی برای تشکیل کلاس درس، بعید است که در کوتاه‌مدت بتوان برای آن فکری اندیشید و تا آن زمان مربیان باید همچنان از کلاس‌هایی که دانش‌آموزان آن در میدان ورزش، آزمایشگاه، کارگاه، سایت، به‌سر می‌برند، به‌عنوان فضای جایگزین استفاده کنند و یا از فضای نمازخانه مدارس و یا سالن مطالعه و سایر فضاهای دیگر بهره‌برند؛ از سوی دیگر، با توجه به تعطیلی یک روزه تمامی مدارس (پنج‌شنبه‌ها) می‌توان، از مدارس به‌عنوان محل مناسبی برای اجرای مسابقات بهره‌جست و با در نظر گرفتن حق‌الزحمه مشخص برای مربیان در این روزها، می‌توان به‌خوبی از مکان مدرسه برای اجرای مسابقات بهره‌برد.

جوایز: تأثیرگذاری جوایز در روند مسابقات نسبت مستقیمی با علاقه‌مندی دانش‌آموزان دارد. ۷۸/۹ درصد مصاحبه‌شوندگان به مقوله تشویق دانش‌آموزان واکنش نشان داده و راه‌های مختلف تشویق که در روند بهبود کیفیت آن موثر است را برشمرده‌اند. ۴۷/۴ درصد هم در مورد تأثیرات آن سخن گفتند. مصاحبه‌شوندگان با توجه به اهمیت تشویق در مسابقات ضمن نقد عملکرد مسئولان به دلیل ضعیف آنان در اهداء جوایز درخور و شایسته به دانش‌آموزان برتر مسابقات فرهنگی و هنری، راه‌های مختلفی را برای تشویق دانش‌آموزان پیشنهاد دادند؛ با این حال، شاید بتوان چهار نکته امیدبخش را در دستورالعمل سال ۱۴۰۲ یافت، که می‌تواند، نسبت به دستورالعمل‌های قبل مثبت قلمداد شود؛ به شرطی که، در اجرای این بندهای جدید، جدیت لازم هم صورت گیرد. اول، استفاده از دانش‌آموزان کشوری مسابقات به‌عنوان مربی سایر دانش‌آموزان. دوم، پیشنهاد «هفته فرهنگ و هنر». سومین نقطه قوت، در «تعریف چهار نوع مسابقه جدید در حوزه فناوری با محتوای به‌روز» آن است. چهارمین نقطه عطف در مسابقات ۱۴۰۲ در زمینه‌ی داوری است. براساس یافته‌های این پژوهش، الگوی مناسب پیشنهادی به‌منظور اجرای فعالیت‌های فوق‌برنامه فرهنگی هنری در جهت ارتقاء ساحت‌های سند تحول بنیادین به‌ویژه ساحت تربیت زیباشناختی و هنری به صورت نمودار شماره ۳ ارائه می‌گردد.



نمودار شماره ۳: الگوی پیشنهادی به‌منظور اجرای فعالیت‌های فوق‌برنامه فرهنگی هنری در جهت ارتقاء ساحت‌های سند تحول بنیادین به‌ویژه ساحت زیبای‌شناختی و هنری، منبع نگارندگان

بر اساس نتایج حاصل از پژوهش کیفی، بخش دوم این پژوهش شکل گرفت و این مطالعه را وارد بخش پژوهش کمی کرد؛ لذا بر اساس یافته‌های این پژوهش، پرسش‌نامه محقق ساخته‌ای با ۳۶ گویه تهیه شد و در اختیار افراد قرار گرفت. سوالات این پرسش‌نامه به‌طور کامل در جدول شماره ۱ آمده است. بر اساس جامعه آماری و طبق استانداردهای علمی ۳۲۰ نفر شامل دانشجو معلمین، معلمین هنر و پرورشی، دانش‌آموزان مقاطع ابتدایی و دبیرستان مقطع اول می‌بایست، به این پرسش‌نامه پاسخ می‌گفتند؛ ولی محققین تعداد نفرات را در حد قابل قبولی (۳۹۶ نفر) افزایش دادند تا اطمینان بیشتری حاصل شود. نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای جهت مقایسه با مقدار عددی ۴ (معادل گزینه موافقم) را نشان می‌دهد و شرح آن در ذیل جدول آمده است. نتایج پژوهش‌های کمی نشان داد ۲۹ مقوله از ۳۶ مقوله (همه مقوله‌ها به جز مقوله‌هایی که در موارد ذیل ذکر می‌شوند)، تا حد بسیار زیادی نتایج حاصل از پژوهش کیفی، مورد تأیید جامعه آماری قرار گرفته است.

جدول شماره ۱: سوالات پرسش‌نامه و نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای، گویه‌های پرسش‌نامه به صورت بسته پاسخ و در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) با قیود زمانی (به ندرت تا همیشه)، منبع: نگارندگان.

نتیجه	سطح معناداری (P-Value)	آماره t	انحراف معیار (σ)	میانگین (μ)	درصد موافقین	درصد مخالفین	سوالات پرسش‌نامه
تایید (در حد بسیار زیاد)	*۰/۰۰۰۱	27/103	۰/52	4/71	۹۸	۲	نوع تشویق دانش‌آموزان در بالا بردن کیفیت مسابقات فرهنگی و هنری موثر است.
تایید (در حد بسیار زیاد)	*۰/۰۰۰۱	25/634	۰/54	4/70	۹۸/۲	۱/۸	اهدای جوایز مناسب و مقبول در روند کیفیت مسابقات فرهنگی و هنری دانش‌آموزان موثر است.
تایید (در حد بسیار زیاد)	*۰/۰۰۰۱	16/025	۰/65	4/52	۹۳/۹	۶/۱	توجه به پیشنهادات ارائه شده توسط مربیان و داوران مسابقات فرهنگی و هنری در بهتر شدن این مسابقات موثر است.
تایید (در حد بسیار زیاد)	*۰/۰۰۰۱	20/940	۰/54	4/57	۹۸/۲	۱/۸	استفاده از نظرات دانش‌آموزان در بهتر شدن کیفیت مسابقات فرهنگی و هنری تأثیر گذار است.
تایید (در حد بسیار زیاد)	*۰/۰۰۰۱	9/574	۰/71	4/34	۸۸/۶	۱۱/۴	مسابقات فرهنگی و هنری به تقویت عنصر خیال در دانش‌آموزان کمک می‌کند.
تایید (در حد بسیار زیاد)	*۰/۰۰۰۱	22/117	۰/57	4/63	۹۷/۲	۲/۸	مسابقات فرهنگی و هنری می‌تواند، منجر به کشف استعداد و هدایت دانش‌آموزان شود.
تایید (در حد بسیار زیاد)	*۰/۰۰۰۱	18/415	۰/60	4/56	۹۵/۵	۴/۵	تقویت قوه خیال در بخش‌های هنری موجب بروز خلاقیت و نوآوری در آثار هنری دانش‌آموزان می‌گردد.
تایید (در حد بسیار زیاد)	*۰/۰۰۰۱	6/790	۰/84	4/29	۸۲/۱	۱۷/۹	مسابقات فرهنگی هنری در ایجاد آرامش روحی و روانی دانش‌آموزان نقش‌آفرین است.
تایید (در حد بسیار زیاد)	*۰/۰۰۰۹	2/621	۰/84	4/11	۷۷/۳	۲۲/۷	عدم توجه شرکت‌کنندگان در مسابقات فرهنگی و هنری باعث ایجاد نارضایتی از داوری مسابقات می‌گردد.
تایید (در حد بسیار زیاد)	*۰/۰۰۰۱	14/616	۰/65	4/48	۹۳/۴	۶/۶	اطلاع قبلی دانش‌آموزان از معیارهای داوری به اعلام رضایت از نتایج مسابقات می‌انجامد.

تایید (در حد بسیار زیاد)	*۰/۰۰۰۱	21/979	۰/54	4/60	۹۸/۲	۱/۸	توجه به پیشنهادات و انتقادات دانش‌آموزان، مربیان و داوران مسابقات فرهنگی و هنری باعث ارتقاء کیفیت مسابقات می‌گردد.
تایید (در حد بسیار زیاد)	*۰/۰۰۰۱	14/596	۰/63	4/46	۹۲/۴	۷/۶	اجرای دقیق مسابقات بر اساس اهداف کلی آن باعث بهبود روند اجرایی مسابقات می‌گردد.
تایید (در حد بسیار زیاد)	*۰/۰۰۰۱	22/937	۰/55	4/64	۹۶/۷	۳/۳	استفاده از نیروهای متخصص در بخش اعلام رویداد، داوری و اعلام نتایج به بهبود مسابقات کمک می‌کند.
تایید (در حد بسیار زیاد)	*۰/۰۰۰۱	20/021	۰/60	4/60	۹۶/۲	۳/۸	پشتیبانی ارگان‌ها و نهادهای فرهنگی و هنری استان به بالا رفتن کیفیت مسابقات فرهنگی و هنری می‌انجامد.
تایید (در حد بسیار زیاد)	*۰/۰۰۰۱	16/016	۰/67	4/54	۹۴/۴	۵/۶	مسابقات فرهنگی و هنری در شناسایی و معرفی دانش‌آموزان نخبه و هنرمند تأثیر دارد.
تایید (در حد بسیار زیاد)	*۰/۰۰۰۱	-6/626	1/16	3/61	۵۶/۶	۴۳/۴	تعداد مسابقات فرهنگی و هنری موجود (در ۸۴ رشته)، برای پوشش کامل استعدادسنجی دانش‌آموزان کافی است.
تایید (در حد بسیار زیاد)	*۰/۰۰۰۱	7/949	۰/81	4/32	۸۷/۹	۱۲/۱	دستورالعمل مسابقات فرهنگی و هنری باید بر اساس ویژگی‌های اقلیمی و فرهنگ محلی، تدوین شود.
عدم تایید	*۰/۰۰۰۱	- 11/084	1/22	3/32	۴۷/۵	۵۲/۵	کاهش رشته‌های مسابقات فرهنگی و هنری بر کیفیت این رویداد می‌افزاید.
تایید (در حد بسیار زیاد)	*۰/۰۰۰۱	13/674	۰/68	4/47	۹۳/۹	۶/۱	تمرکز بر افزایش کارایی و اثربخشی مربیان پرورشی و معلمان هنر، بر افزایش کیفیت مسابقات تأثیرگذار است.
تایید (در حد بسیار زیاد)	*۰/۰۰۰۱	15/992	۰/65	4/53	۹۴/۹	۵/۱	برگزاری دوره‌های مهارتی مربیان و برگزارندگان مسابقات فرهنگی و هنری بر بهبود کیفیت مسابقات تأثیر دارد.
تایید (در حد بسیار زیاد)	*۰/۰۰۰۱	13/832	۰/67	4/46	۹۲/۲	۷/۸	اجرای مسابقات فرهنگی و هنری در کارگروه‌های تخصصی باعث افزایش کیفیت مسابقات می‌گردد.
تایید (در حد بسیار زیاد)	*۰/۰۰۰۱	15/140	۰/68	4/52	۹۴/۴	۵/۶	موفقیت در مسابقات فرهنگی و هنری در افزایش تمایل دانش‌آموزان به گرایش‌های هنری موثر است.
تایید (در حد بسیار زیاد)	*۰/۰۰۰۱	5/158	۰/84	4/22	۸۲/۳	۱۷/۷	نتایج مسابقات فرهنگی و هنری دانش‌آموزان با فعالیت‌های فوق‌برنامه آنها در خارج از محیط مدرسه ارتباط مستقیم دارد.
تایید (در حد بسیار زیاد)	*۰/۰۰۰۱	7/456	۰/77	4/29	۸۴/۳	۱۵/۷	مسابقات فرهنگی و هنری در تحقق اهداف این رویداد بر اساس ساحت هنری و زیبایی‌شناسی سند تحول بنیادین موثر است.
تایید (در حد زیاد)	۰/۰۷۱	1/813	۰/97	4/09	۷۶/۳	۲۳/۷	مسابقات فرهنگی و هنری باید شاخص فعالیت‌های فوق‌برنامه مدارس تعریف شود.
تایید (در حد بسیار زیاد)	*۰/۰۰۰۱	-4/598	1/17	3/73	۶۴/۶	۳۵/۴	همه‌ی دانش‌آموزان می‌توانند، با عناوین و محتوای مسابقات فرهنگی و هنری ارتباط برقرار کنند.

تایید (در حد بسیار زیاد)	*۰/۰۰۰۱	16/370	۰/60	4/49	۹۶/۵	۳/۵	ایجاد محتوای جذاب و کاربردی برای مسابقات باعث افزایش مشارکت دانش‌آموزان در این مسابقات می‌گردد.
تایید (در حد زیاد)	۰/۱۶۰	-1/409	1/00	3/93	۷۲/۵	۲۷/۵	اجرای مسابقات فرهنگی و هنری نیاز به فضای آموزشی مجزا دارد.
تایید (در حد بسیار زیاد)	*۰/۰۰۰۱	16/756	۰/61	4/51	۹۶/۲	۳/۸	راهنمایی معلمان هنر متخصص و مربیان با تجربه، در تشویق دانش‌آموزان به شرکت در مسابقات موثر است.
عدم تایید	*۰/۰۰۰۱	-۵/۹۳۳	1/07	3/68	۵۹/۱	۴۰/۹	زمان بندی برگزاری مسابقات فرهنگی و هنری موجود مناسب است.
تایید (در حد بسیار زیاد)	*۰/۰۰۰۱	16/873	۰/60	4/51	۹۵/۵	۴/۵	استفاده از کارگروه داوران متخصص در هر بخش به افزایش کیفیت مسابقات می‌انجامد.
تایید (در حد زیاد)	۰/۱۵۸	-1/416	1/06	3/92	۷۱/۷	۲۸/۳	قرارگیری فعالیت‌های مربوط به مسابقات فرهنگی و هنری در زمان خارج از ساعت کلاس درس مناسب است.
عدم تایید	*۰/۰۰۰۱	-۳/۷۸	1/12	3/79	۶۷/۲	۳۲/۸	بهترین مکان برای آمادگی دانش‌آموزان در مسابقات فرهنگی و هنری کلاس‌های رسمی مدارس است.
تایید (در حد زیاد)	۰/۷۹۷	-/258	۰/97	3/99	۷۴/۲	۲۵/۸	کوتاه شدن تقویم اجرایی رویداد مسابقات و اعلام نتایج آن، در افزایش رغبت دانش‌آموزان موثر است.
تایید (در حد بسیار زیاد)	*۰/۰۰۰۱	6/379	۰/78	4/25	۸۸/۶	۱۱/۴	برگزاری مسابقات فرهنگی و هنری به صورت متمرکز و هماهنگ در زمان و مکان مشخص بر کیفیت این مسابقات موثر است.
تایید (در حد بسیار زیاد)	*۰/۰۰۰۶	2/777	۰/92	4/13	۸۱/۱	۱۸/۹	قرار دادن مسابقات فرهنگی و هنری در برنامه درسی دانش‌آموزان به افزایش کیفیت این مسابقات می‌انجامد.

در این پژوهش به دلیل غلبه بعد کیفی پژوهش بر بعد کمی از ارائه بسیاری از جداول کمی مربوطه خودداری شد و صرفاً در این بخش به تحلیل داده‌های گردآوری شده در فاز کمی تحقیق از طریق نرم‌افزار SPSS پرداخته می‌شود. نتایج کمی استخراج شده به شرح ذیل است:

برای سنجش میزان موافقت یا مخالفت ۳۹۶ شرکت‌کننده جهت تأثیرگذاری هریک از مقوله‌ها، از آزمون t تک‌نمونه‌ای و مقایسه میانگین با عدد ۴ (معادل گزینه موافق) استفاده گردید.

✓ نتایج نشان می‌دهد، با اطمینان ۹۵ درصد مقوله‌های (کوتاه شدن تقویم اجرایی رویداد مسابقات و اعلام نتایج آن، در افزایش رغبت دانش‌آموزان موثر است)، (قرارگیری فعالیت‌های مربوط به مسابقات فرهنگی و هنری در زمان خارج از ساعت کلاس درس مناسب است)، (اجرای مسابقات فرهنگی و هنری نیاز به فضای آموزشی مجزا دارد)، (مسابقات فرهنگی و هنری باید شاخص فعالیت‌های فوق‌برنامه مدارس تعریف شود). در حد زیادی مورد تأیید جامعه آماری قرار گرفته است.

✓ نتایج نشان می‌دهد، با اطمینان ۹۵ درصد مقوله‌های (بهترین مکان برای آمادگی دانش‌آموزان در مسابقات فرهنگی و هنری کلاس‌های رسمی مدارس است)، (زمان بندی برگزاری مسابقات فرهنگی و هنری موجود مناسب است)، (کاهش رشته‌های مسابقات فرهنگی و هنری بر کیفیت این رویداد می‌افزاید) موارد مذکور مورد تأیید جامعه آماری مخاطبان قرار نگرفته است؛

به عبارت دیگر، از بین ۳۶ مقوله تنها ۳ مقوله مورد تأیید قرار نگرفته است.

✓ نتایج نشان می‌دهد، ۲۹ مقوله از ۳۶ مقوله (همه مقوله‌ها به جز مقوله‌هایی که در موارد بالا ذکر شدند)، تاحد بسیار زیادی مورد تأیید جامعه آماری قرار گرفته است.

۵- نتیجه گیری

در پاسخ به سوال اصلی پژوهش، «ارتقاء ساحت زیبایی‌شناسی و هنری بر فعالیت‌های فوق‌برنامه فرهنگی و هنری دانش‌آموزان چه تأثیری دارد؟» سه مقوله با عناوین؛ «شرایط علی»، «شرایط مداخله‌ای» و «شرایط زمینه‌ای» تأثیرگذار است. «شرایط علی» علت فعالیت‌های فوق‌برنامه به‌ویژه مسابقات فرهنگی و هنری را ذیل حدود و قلمرو، رویکرد، اصول و روش‌های ساحت زیبایی‌شناختی و هنری قرار می‌دهد. تردیدی نیست که علت اصلی طراحی و توسعه مسابقات فرهنگی و هنری به بیش از ۸۰ رشته متنوع، دست‌یابی به بخشی از اهداف این ساحت است. عناصر تأثیرگذار در «شرایط مداخله‌ای» هم عبارت‌اند از: زمان‌سنجی مناسب، بهره‌گیری از خلاقیت در آثار از طریق تقویت قوه خیال است. کشف استعداد دانش‌آموزان و توجه به ترکیب علم و عمل در فرایند اجرایی این مسابقات می‌تواند، در نتایج آن تأثیر بسزایی دارد و به تحقق بهتر اهداف، کمک کند. از عناصر زمان، مکان، منابع علمی و مالی و همچنین محتوای مسابقات می‌توان، به‌عنوان «شرایط زمینه‌ای» این الگو نام برد. تأکید بر این نکته ضروری است که توجه به عنصر «زمان» مهمترین دغدغه اصلی مصاحبه با دانش‌آموزان بوده است. دو مقوله دیگر یکی «راهبردها و اقدامات» است که خود به دو بخش نیروی انسانی و سایر عوامل تقسیم می‌شود. بخش نیروی انسانی آن شامل: «لزوم به‌کارگیری نیروی متخصص، لزوم تشکیل کارگاه‌های تخصصی، توسعه کار تیمی، و استفاده از روشهای درست یاددهی یادگیری در زمینه‌ی مهارت‌آموزی فراگیران است. در بخش سایر عوامل نیز استفاده از فناوری‌های نوین، لزوم تدوین محتوای مناسب، ارزشیابی عادلانه و مبتنی بر شاخص‌های عینی و برگزاری نمایشگاه جهت معرفی آثار بسیار پررنگ خود را نشان داده است. در موضوع «پیامدها و نتایج» هم با دو بخش اصلی دیگر مواجه هستیم؛ پیامدهای مثبت و منفی. در خصوص پیامدهای منفی، می‌توان از نارضایتی عمومی (دانش‌آموز، مربی و داور)، بی‌مهری و قدرناشناسی از تلاش دانش‌آموزان در تهیه آثار، رهاسازی دانش‌آموزان پس از استعدادیابی آنان و اتمام مسابقات و موضوع خاص پروری به جای استعدادسنجی علمی را می‌توان برجسته دید؛ همچنین در زمینه‌ی نکات مثبت می‌باید، به رضایت نسبی دانش‌آموزان و عوامل برنامه‌ریزی درست، تقدیر از شایستگان در حد توان، زمینه‌سازی مسابقات برای اشتغال و کارآفرینی آینده دانش‌آموزان، مشارکت‌جویی در فعالیت‌ها و تأثیرات مثبت کار تیمی، اشاره کرد. «مهمترین تهدیدها» را در اجرای این مسابقات، پدیده کنکور، مقاومت برخی از مدیران به دلیل تداخل با برنامه رسمی، مقاومت برخی از اولیاء، عدم امکان انگیزه‌بخشی کافی به دلیل منابع ناکافی، عدم تمکن مالی برخی از اولیاء برای پشتیبانی از برخی رشته‌های پرهزینه و ضعف زیر ساخت‌های کشوری در زمینه‌ی فعالیت‌های آنلاین و محدودیت‌های موجود بیشتر از سایر عوامل قابل مشاهده و بررسی است؛ اما در مقابل «نقش فرصت‌ها» نیز غیرقابل انکار است. فرصت‌هایی که می‌توانند، بر کیفیت این مسابقات بیافزایند و در نتیجه چند گام اساسی ما را به اهداف ساحت‌های سند تحول نزدیک‌تر نموده و به‌عنوان نقطه امید تلقی شوند. همراهی و حمایت، بخش قابل توجهی از مدیران و اولیاء دانش‌آموزان از اجرای این مسابقات، استفاده از پتانسیل مربی‌های سایر دستگاه‌های مرتبط، بهره‌گیری از ظرفیت‌های بومی و محلی استان‌ها، وجود مربیان متعهد، کارآزموده و علاقه‌مند و استقرار دبیرخانه کشوری مسابقات در برخی از استان‌ها، می‌تواند، یک فرصت طلایی برای مسئولان فرهنگی و هنری در جهت کیفیت‌بخشی به این مسابقات فراهم آورد.

پی‌نوشت:

1. Out of school activities
2. Open door education
3. Education for leisure time
4. Co-curriculum
5. Extra-class
6. Socializing-integrating
7. Elliot Wayne Eisner
8. Preedy
9. Max Kaplan
10. Game fiction

منابع و مأخذ

- اصغرزاده، علی، محمودی، مهدی، سرمدی، محمدرضا، معصومی‌فر، مرجان (۱۴۰۳). فهم مقوله‌های زیبایی‌شناسی: افق‌های الهام‌بخش در فعالیت‌های تربیتی (بازشناسی سند تحول بنیادین). مطالعات آموزشی و آموزشگاهی، دوره ۱۳ شماره ۲ پیاپی ۳۹، ۳۳ تا ۵۶. DOI: 10.48310/PMA. 2024.12673.3727
- بهرنگی، سیفالله (۱۳۹۸). ارزشیابی آموزشی: مفاهیم، الگوها و کاربردها، تهران: انتشارات کمال تربیت.
- تیمورنیا، مهین، امام‌جمعه، سیدمحمدرضا، احمدی، غلامعلی نصری، صادق (۱۴۰۰). بررسی تطبیقی ویژگی‌های فعالیت‌های فوق‌برنامه دوره ابتدایی ایران با کشورهای انگلستان، هند و مالزی. مجله علمی-پژوهشی (آموزش و پرورش تطبیقی). ۴(۲)، ۱۱۳۸-۱۱۵۸. 10.22034/IJCE.2020. 229993.1145
- جاویدی‌کلاته، طاهره و عبدلی، افسانه (۱۳۹۶). زیبایی‌شناسی و هنر از دیدگاه ماکسین گرین و اشارات تربیتی آن، نشریه رویکردهای نوین آموزشی، ۱۲(۲): http://noo.rs/ZBsi0.۲۱-۴۵
- جمشیدزاده، فاطمه، ومومنی، کوثر (۱۳۹۹). بررسی رابطه مطالعه منابع غیر درسی و میزان مشارکت در فعالیت‌های فوق‌برنامه مدرسه با میزان عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان مورد مطالعه مدارس متوسطه دوم شهر سرابله، ششمین همایش ملی علمی-پژوهشی روانشناسی و علوم تربیتی. http://noo.rs/qZvNf
- حاجی‌آقالو، عباس (۱۳۸۱). راهنمای تهیه فعالیت‌های مکمل و فوق‌برنامه، ناشر: موسسه فرهنگی منادی تربیت، چاپ اول، تهران.
- حسینی، سیدبتول، صادقی، علیرضا، خسروی‌بابادی، علی‌اکبر، دواپی، مهدی (۱۴۰۱). طراحی برنامه درسی فوق‌برنامه برای دانشگاه فرهنگیان، فصلنامه آموزش و پرورش متعالی، دوره ۱، شماره ۱، صفحات: ۶۴-۸۲. DOI 10.22080/DC.2022.3845
- خیام‌نکویی، پریسا و شاهدی، بهرام و یزدی، کاظم (۱۴۰۳). تأثیر کیفیت محیط مدارس بر خودپنداری تحصیلی دانش‌آموزان با نقش میانجی پدیدارشناسی ادراک، اصفهان: مجله بنیان‌های حکمی فلسفی هنر ایرانی، سال سوم، شماره اول، ص ۶۳. 10.30486/PIA.2024.2001377.1360
- دادگران، سیدمحمد (۱۳۸۹). مبانی ارتباطات جمعی. تهران: فیروزه، چاپ چهاردهم.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه. جلد یازدهم، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ص ۱۷۰۲۰.
- رضایی، منیره (۱۳۸۷). الگوی نظری ساحت تربیت هنری و زیبایی‌شناسی در نظام آموزش و پرورش ج.ا.ا. طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش، کمیته مطالعات نظری.
- رسول‌زاده اقدام، صمد، عدلی‌پور، صمد، هدایتی خوشمهر، علی (۱۳۹۷). جامعه‌شناسی اوقات فراغت و مطالعه، تهران: اساطیر پارسی.
- ریاست‌جمهوری، سازمان ملی جوانان (۱۳۸۴). آیین‌نامه اجرایی ساماندهی اوقات فراغت جوانان با رویکرد به برنامه‌ها و فعالیت‌های تابستانی. زان‌عبدیعی، اسدالله (۱۳۹۸). بررسی تأثیر فعالیت‌های فوق‌برنامه بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان سال اول متوسطه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زارعی، عباس، قربانپورآرانی، حسین، باقری، سمیه (۱۴۰۰). مقایسه میزان توجه به ساحت‌های شش‌گانه تربیت در کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی قبل و بعد از اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، مطالعه برنامه درسی، دوره ۱۶، پیاپی ۶۲، صفحات ۱۹۶-۱۷۹. 20.1001.1.17354986. 1400.16.62.7.2
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰). مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران. تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.

- طبیانان، سیده‌مرضیه (۱۴۰۰) پژوهشی در ضرورت طراحی بهینه فضاهای باز و محیط سبز کالبد آموزشی در راستای بهبود ادراک دانش‌آموزان و ارتقاء کیفیت محیط آموزشی (مطالعه موردی: دبیرستان‌های دخترانه شهر اصفهان)، دوفصلنامه معماری و شهرسازی ایران، دوره: ۱۲، شماره: ۱۲۷-: doi: 10.30475/isau.2020.214757.1339 .۲۱/۱۹۱
- طهماسب زاده شیخ‌لار، داوود؛ علم‌الهدی، جمیله (۱۳۹۴). تربیت زیبایی‌شناختی رهیافتی جامع برای چالش‌های برنامه درسی، تهران: کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی.
- فتحی، پیمان (۱۴۰۳). کاربرد اصول روانشناسی محیطی در طراحی فضاهای درمانی و آموزشی، تجلی هنر در معماری و شهرسازی، 2(1)، ۷۰-۵۷. -
https://jmaaeu.org/index.php/jmaaeu/article/view/17
- قدیریان، فرناز، حسینی، محمدسلطان، سلیمی، مهدی، عرف‌زاد، شهرام (۱۴۰۰). مدل پارادایمی نهادینه‌سازی فعالیت‌های فوق برنامه ورزشی دانشگاهی در دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان، مجله رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی، پیاپی ۳۵، ۴۵-۶۰. / https://www.magiran.com/ p2418350
- کلاین، فرانسیس (۱۹۹۱). استفاده از یک مدل تحقیقاتی به‌عنوان راه‌های فرایند برنامه درسی، ترجمه محمود مهر محمدی، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال ششم شماره یک.
- علی‌آبادی، خدیجه (۱۳۹۷). طراحی آموزشی: مبانی، اصول و کاربردها، تهران: انتشارات سمت.
- علیپور، فرشید (۱۳۹۵). اصول و مبانی آموزش و پرورش (نسل سوم) کتاب طلایی، تهران: انتشارات طلایی پویندگان دانشگاه مهر محمدی (۱۳۸۱). برنامه درسی، نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم اندازه‌ها، تهران: انتشارات سازمان سمت.
- ملکی، حسن (۱۳۹۹). نظریه‌های یادگیری و آموزش، تهران: انتشارات آبیژ.
- ملکی، حسن (۱۳۹۶). برنامه‌ریزی درسی (راهنمای عمل)، تهران: انتشارات مدرسه.
- موسوی، طیبیه (۱۳۹۶). بررسی آراء و نظرات عالمه جعفری (ره) و الیوت آیزنر در تربیت زیبایی‌شناسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- نظری، پروین، یزدان‌ستا، فاروق (۱۳۹۸). بررسی نقش فعالیت‌های فوق برنامه در تحصیل عملکرد با توجه به نقش میانجی خلاقیت. تحقیق تدریس، تهران: تدریس پژوهی، ۱۷(۱)، ۸۷-۱۰۸. 10.34785/J012.2019.464
- نصیری، محمد رضا، فتحی، محمد، جاویدپور، مرتضی (۱۴۰۲). اثربخشی آموزش راهبرهای شناختی و فراشناختی بر انگیزه پیشرفت و سرزندگی تحصیلی دانش‌آموزان، فصلنامه ناتوانی‌های یادگیری، پیاپی ۲، ۷۵-۸۷. (DOI): 10.22098/JLD.2024.14414.2143.۸۷-۷۵
- ولی‌زاده، سمیه، شریف‌زاده، محمدرضا، داودی‌رکن‌آبادی، ابوالفضل (۱۴۰۱). تاثیر ساحت زیبایی‌شناختی و هنری مبتنی بر نمایش خلاق بر فرایند یاد دهی یادگیری، انجمن جامعه‌شناسی آموزش و پرورش ایران، ۸(۲)، ۱۹۹-۲۰۸. http://noo.rs/9G4WI
- Han X. (2022). The importance of aesthetic ability in arts education: A case study of undergraduate students of universities in Chengdu city of Sichuan province China. *Heliyon*, 29: 1–22.
- Ferguson JP, Tytler R, White P. (2022). The role of aesthetics in the teaching and learning of data modeling. *International Journal of Science Education*, 44(5): 753–774.
- Kaplan, M. (1960). *Leisure in America: A Social Inquiry*. New York: John Wiley & Sons
- Preedy, S, Jones, P, Maas, G, & Duckett, H. (2020). Examining the perceived value of extracurricular enterprise activities in relation to entrepreneurial learning processes. *Journal of Small Business and Enterprise Development*
- Rodriguez M, Diaz I, Gonzalez EJ, Gonzalez-Miquel M. (2019). Reprint of: Motivational active learning: An integrated approach to teaching and learning process control. *Education for Chemical Engineers*, 26: 8–13.
- Raymore, L. Godbey, G. Crawford, W. (۱۹۹۴). Self-esteem, gender and socio-economic status: their relation to perceptions of constraint on leisure among adolescents, *Journal of Leisure Research*, Vol ۲۶, pp9۹–۱۱.
- Shinew, K. J., Floyd, M, F, & Parry, D (۲۰۰۴). Understanding the relationship between race and leisure activities and constraints: exploring an alternative framework, *Leisure Sciences*, Vol ۲۶, pp۱۸۱–۱۹۹
- Stodolska, M. (۲۰۰۶). Transnationalism and Leisure: Mexican Temporary Migrants in the U.S, *Journal of Leisure Research*, Vol. ۳۸, No. ۲, p. ۱۴۳–۱۶